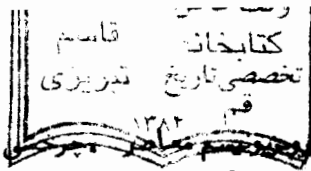


مروری برگزیده  
توفان

حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران

۱۳۳۶

بها ۳۰ ریال



با پیدایش ریزونیسیم جهان پر رخس آمد . چرخش به سوی ریزونیسیم . از این جهت چرخش است که ریزونیسیم در حزب لنینی اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفته و تاثیرات خود را به راحتی بر روی تمام جنبش کارگری جهان گذاشت . بروز ریزونیسیم معاصر را می بایست یکی از بزرگترین تهاجم ایدئولوژی بورژوازی در جنبش بین الطلی کارگری دانست .

به این طریق در تاریخ اکثر احزاب کمونیستی و کارگری جهان دو دوره متمایز از یکدیگر میتوان تشخیص داد : پیش از پیدایش ریزونیسیم و پس از پیدایش ریزونیسیم .

روزنامه "زری اپولیت" ارگان مرکزی حزب کارآلبانی در ۱۱ ماه سه

۱۹۶۶ بدستی چنین نوشت :

"همین منی اپورتونیسیتی و ریزونیسیتی نفوذ ریزونیسیت های خروشچفی وغیره بود که بسیاری از احزاب کمونیست را کسابقاً مظهر نیروی انقلابی عظیمی بودند ، بصورت احزاب هوادار اصلاحات اجتماعی ، بصورت دستیاران بورژوازی ارتجاعی و دنباله آن در آورد . در احزاب کمونیست ایتالیا ، فرانسه ، فنلاند ، انگلستان ، اطریش وغیره چنین شد . اپورتونیسیم و تعقیب منسی اپورتونیسیتی کنگره بیستم خروشچفی ها ، حزب کمونیست عراق ، حزب کمونیست برزیل ، حزب کمونیست الجزایر وغیره را به پریشانی و انحلال کشانید . بروز ریزونیسیم در حزب کمونیست شوروی سربه سختی بسر جنبش کارگری جهان بود . از این جهت سخت بود چونکه باعث درگونی و تغییر ماهیت کشور شوراها می گردید . کشوری که از اعتماد عمیق کارگران و زحمتکشان جهان و نیروی انقلابی جهان برخوردار بود . کم نبودند احزابی که به خاطر ادامه اعتماد خود به درار دسته خروشچف به ورطه نیستی در غلطیدند ، از آنجمله حزب بزرگ کمونیست هندوستان و حزب کمونیست مورا می توان نام برد . همچنین احزاب پر قدرت سوریه و عراق ، این مثالها گواه زندمای است بر بغرنجی پروسه شناخت این ریزونیسیم . بی دلیل نبود که "دالس" آمریکائی



بروی کار آمدن خروشچف را چنین توصیف می کند :  
" کاربراکه خروشچف انجام داده است ، آمریکا با مخارج میلیاردها دلار نیز  
نمی توانست انجام دهد ."

و در حقیقت خروشچف نقش "اسب تروا" را در جنبش کمونیستی ایفا  
نمود .

در ایران نیز روزیونیسم خروشچفی اثرات ویرانگر خود را بر  
حزب توده ایران نهاد .

تاریخ حزب توده ایران به دو دوره کاملاً متضاد تقسیم میشود ، یکی  
دوره وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و دیگری دوره پوسیدگی در روزیونیسم  
که آغاز آنرا باید پس از کنگره ۲۲ حزب کمونیست شوروی یعنی پس از سیستماتیزه  
شدن روزیونیسم معاصر دانست .

در این نوشته ما را قصد بر آن نیست که گذشته جنبش کارگری ( حزب -  
توده ایران ) را بررسی کنیم و یا اینکه عیبها و نقائص آن دوره را تجزیه و تحلیل  
کنیم و این امر را به وقت دیگری موکول می کنیم . ما عقیده مندیم که حزب توده  
ایران در گذشته با وجود نقائص و عیوب بسیارش ، حزب طبقه کارگر ایران بود .  
است ، ما عقیده داریم که حزب توده ایران پس از پیدایش روزیونیسم جهانی  
به روزیونیسمد رغلطیده و ما هیت آن درگرون شده است . ما عقیده داریم که  
کوشش ما در افشا " ماهیت امروزی حزب توده " ایران ، دنباله منطقی  
کوشش ما برای دفاع از ماهیت دیروزی آن است .

بعد از شکست نهضت مردم ایران در ۲۸ مرداد ۳۲ ، که منجر به در -  
هم شکسته شدن تقریباً " تمامی سازمانهای حزبی حزب توده " ایران گردید ،  
اختناق بی سابقه حکومت محمد رضاشاهی و غیره ، باعث گردید که عده ای  
از رهبران حزب توده " ایران و همچنین عده ای از کادرهای حزب به خارج از  
ایران عزیمت کنند . در این دوره از مهاجرت ، در کشورهای اروپائی ، بخصوص  
در کشورهای آلمان ، انگلستان ، اعضا " حزب و سازمان جوانان حزب توده  
فادر شدند ، در کشورهای شرق اروپا ارتباطاتی با رهبری حزب توده مبرقرار کنند

از سال ۱۳۳۷ این ارتباطات شروع گردید و متعاقب آن سازمانهای حزبی بویژه در آلمان فدرال پایه ریزی گردید و مجدداً ارگان مردم به چاپ رسید. توسط رفقای حزبی آلمان فدرال (مونیخ) پخش می گردید. انجمنهای دانشجویی به ابتکار رفقای حزبی و هواداران آن در هر گوشه کاری از آلمان اتریش، انگلستان و فرانسه بوجود می آمدند.

حزب توده ایران در مهاجرت از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ قادر گردید به نیروی بزرگی در خارج از کشور تبدیل شود. از اوایل سالهای ۱۳۴۰ در اثر دستیابی به اخبار مختلف جهانی و نوشته جات کشورهای غربی، بتدریج کارهای حزبی، اطلاعاتی از اختلافات درونی جنبش کمونیستی بدست می آوردند که اغلب این اطلاعات مورد شک و تردید قرار میگرفتند و هرازگاه که کارهای حزبی در ملاقاتهای خود با رهبران حزب توده ایران سئوالاتی درباره اختلافات بین الطلی میکردند. جواب اینها همه تبلیغات خارجی است را می شنیدند. مسلماً تا اینجا ایرادی به اظهارات رهبران ندانستند. زیرا این مسائل مورد مناظرات هنوز در درون خود احزاب مورد غور و بررسی نبود.

مجادله کارهای حزب توده ایران و بخصوص رفقای مسئول پخش ارگان مردم در آلمان رفت و آمد رفقای دیگر از کشورهای انگلستان و اتریش بطرف کشورهای شرق برای بحث و مجادله فزونی گرفت و بالاخره بر کارهای درجه اول حزب در اروپا روشن گردید که منی حاکم در رهبری حزب همان سیاست "تزمالت آمیز" خروشنجفی است و تا اواسط ۱۹۶۳ (۱۳۴۱) عده زیادی با رهبری قطع رابطه کردند.

بزودی این قطع ارتباط به بیش از ۹۰٪ کارهای حزب توده در اروپای غربی سرایت کرد. در این میان باید متذکر شد که این قطع ارتباطات با کمال ناسف نتوانست مشکل و تحت رهبری یک مرکزیت واحد انجام گیرده. در نتیجه یک جنبش ضد رویزیونیستی بوجود آمد که با رخنه عمل رویزیونیستها تشکیلات حزبی موجود در اروپای غربی که با رهبری قطع ارتباط کرده بود

روزیه روز انضباط تشکیلاتی خود را از دست میداد. در آن زمان آنچه که برای کارهای حزبی ارزش فزاینده داشت دسترسی به موضوعات مورد اختلاف و اسناد آن بود. از این رو بود که رفقای ما مورگشتند با سفارتخانه‌های آلبانی و چین ارتباط برقرار کنند و این ارتباط در سال ۱۹۶۳ (۱۳۴۱) با سفارت چین در انگلستان برقرار گردید. نتیجه این ارتباط این بود که رفقای میبایست انتخاب شده، برای بحث و روشن شدن مطالب مورد اختلاف روانه چین گردند.

اولین هیئت رسمی مرکب از ۷ نفر به دعوت حزب کمونیست چین، اعزام چین شد. ( در انتخاب این هیئت نیز بخاطر شرایط آشفته آن زمان وقت کافی بعمل نیامد و افراد کاریبیست نیز جزو این هیئت شدند.)

در این دوره هرج و مرج شدیدی در درون این نهضت ضد ریزوئیستی در اثر رخنه‌های عمال ریزوئیستهای حزب توده بوجود آمد. در این مجمع بی شکل کم نبودند افرادی که داعیه رهبری این جنبش را در سر می‌پروراندند. و رفقای هدیق حزبی را که مخالف این چنین هرج و مرجی بودند مورد عتاب قرار میدادند و انضباط آنها را دال بر ترس و تزلزل و روشنفکری قلمداد میکردند. بالاخره اولین هیئت وارد چین گردید، و استقبال بی نظیری از این هیئت در آنجا به عمل آمد. و حتی از رفق در شهر گانتن "در قصر پادشاه سابق چین پذیرائی گردید. بعد از ورود به پکن نیز این پذیرائی ادامه داشت.

مباحثات شروع میشود. در مباحثات مسئله کمینترن و اختلاف حزب - کمونیست چین با کمینترن مطرح میشود، و در طول مباحثات از رفیق استالین بحث میگردد و در این باره اظهار میشود که به خاطر نقش "بد" رفیق استالین و توصیه‌های او، کمونیست‌ها در فرانسه، ایتالیا و بلژیک اسلحه‌های خود را زمین گذاشته و بالاخره شکست انقلاب یونان و اسپانیا نیز به گردن استالین میافتد و همچنین از نقش "بد" استالین در مسئله انقلاب چین نیز صحبت به میان میاید. با طرح چنان سائلی میتوان گفت که ضربه سخت هولناکی به جمع این هیئت میخورد. رفقای ایرانی تا آن زمان به نقش ارزنده رفیق استالین

ایمان کامل داشته و استالین را پرچم خود بر علیه روزیونیسیم می‌دانستند ،  
و همچنین احترام بزرگی برای کمیترون قائل بودند . چنین اتهاماتی نسبت  
به استالین نمیتوانست ناشیری در رفقای هیئت نگذارد . در واقعیت امر  
طرح این مسائل ایمان بعضی رفقا را نمیتوانست به گذشته جنبش کارگری  
سست و سست تر نگرداند . این خود باعث مجادلاتی در بین رفقا گردید  
و رفیق الف - ص که در این سفر در جمع هیئت نمایندگی بود نمیتوانست  
این مسائل را بدون بررسی قبول کند و متأسفانه اکثریت رفقای دیگر آنرا  
بدرقتند . بعضیها بخاطر همان جاه طلبی خود و برخی نیز بخاطر  
محدودیت نظریات گردیدند . از طرف دیگر صحبت  
برسیت شناخته شدن دولت جمهوری نو دمای چین از طرف دولت ایران  
به میان آمد . رفقای چین در آن زمان چنین اظهار کردند :

" دولت‌های کوچک مجبورند به دولت‌های بزرگ تکیه کنند ، اگر چین با ایران  
روابط داشته باشد میتواند عاملی باشد که حکومت ایران از آمریکا فاصله  
بگیرد و این امر به نفع انقلابیون ایران است . "

مسئله این مسئله نمیتوانست مورد قبول ما واقع گردد . بحث‌های  
مفصلی انجام گرفت و نتیجه اش این بود که وحدت این هیئت بعد از مدتی  
از هم گسیخته ندهد و حتی اختلافات چنان بالا گرفت که برخورد فیزیکی  
رفیق الف - ص بوقوع پیوست . عملاً این گروه به اقلیت و اکثریت تقسیم  
شدند . در این بین به ما - نمایندگان اطلاع رسید که دکتر فریدون کشاورز به  
چین آمده است و مسامحت‌های ملاقات نمود . بحث در شماره انجام گرفت  
و رفیق الف - ص مخالفت خود را با ملاقات ما وی با استدلال اینکه  
او در اوایل خرسانهای ۱۹۵۰ از کمیته مرکزی حزب توده اخراج شده است  
و ما را با وی علاقه‌ای نیست ، یاد یگران در میان گذاشت ولی این با رئیس  
ناشر رفقای چین این هیئت با فریدون کشاورز ملاقات کرد ( اول ماه مه  
۱۹۶۴ ) . بالاخره اختلافات در درون هیئت نمایندگی روزه فزونی گذاشت  
و توطئه‌های فراهانی بر علیه اقلیت بوجود آمد و حتی صحبت از اینکه

رفیق الف صرا در چین برای همیشه نگه دارند، به میان آمده بود که با مقاومت رفقای خارج از چین - در مونیخ - این توطئه نیز عملی نگردد. کاری که رفقای چینی در این مدت شش ماهه انجام دادند، پخش اخبار نادرست بر علیه رفیق الف - ص در اروپا بین توده های حزبی بود. آنگاه رفیق الف ص قبل از دیگر اعضا هیئت چین را ترک گفت. پس از مراجعت از چین میبایست مسائل مطروحه با رفقای دیگر در میان گذاشته میشد ولی با کمال تأسف مشاهده شد که نزد تمامی رفقای حزبی، رفیق الف - ص قبل از مراجعت به اروپا بعنوان فردی پرووکاتور معرفی شده است. زیرا که پس از بازگشت او اکثریت موجود از هیئت اعزامی در چین قطعنامه ای بر محکوم کردن وی صادر نمودند، بشکلی که با حیرت فراوان مشاهده شد که اکثریت رفقای کارهای ساده حتی برای شنیدن وقایع اتفاق افتاده نیز، گوش شنوایی ندارند و ظاهراً این جمع بی شکل، شکلی به خود گرفته است.

که آن هم دفاعی چون و چرا از چین و رهبری آن ماثور بوده، و از لحاظ سیاسی انحراف بزرگی که همان راه کوبا باشد، بپراکرتیت این جمع حاکم شده است. و از لحاظ تشکیلاتی عناصری بدنام و گم نام توانسته بودند در رهبری این جنبش با اتوریته ارتباط با چین و اخذ کمک مالی سرسام آور از آنها جای گیرند. متأسفانه مبارزهای که بحق بر علیه رویزیونیسم شروع شده بودند و میتوانست از اصول مارکسیسم - لنینیسم و از یاکیزگی آن دفاع نمایند بنا بر رسوخ عمال رویزیونیسم و ساواک در این جمع، به انحراف کشیده میشد. عملاً سیاستی بر این نهضت ضد رویزیونیستی تحمیل کردند که حتی مبارزه بر علیه رژیم را نیز در پس پرده میگذاشت.

وضع بسیار بغرنج و بسیار پیچیده ای بوجود آمده بود. یا اینکه باید تسلیم چنان شرایطی میشدیم و یا اینکه در دفاع از پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم قد علم می کردیم. شروع کار نیز چندان ساده نبود، زیرا که در این بین عمده ای از کارهای حزب سرخورده شده و اعتماد خود را باسی نهضت از دست داده بودند و رسوخ افراد ناباب و حتی عقب رهبری ایس نهضت توسط افراد مشکوک را دلیل کاره گرفتن خود ارجحتر نوحیه میکردند.



و بقیه اکثریت، سحرز افکار کاستریستی گشته و پشتیبانی چین تودم‌ای را از خود دلیل صحت عمل و کلید پیروزی میدانستند. در حقیقت امر در پیکان انشعاب در درون هیئت، کار خود را کرده بود. اگر کسی این دوره را ندیده باشد، بغرنجی مقابله با چنین پدیده‌های انحرافی را نمیتواند به راحتی تجزیه و تحلیل کند. کمی امکانات و تبلیغات سو و توطئه‌های فراوان و کار پلیسی از مشکلات آن دوره است. ولی مارکسیت - لنینیسم را چه باک از مشکلات، مبارزات طبقاتی می‌بایست حریفان یابد. مسئله فرد مطرح نیست مسئله مبارزه طبقاتی بود و دفاع از پانکیزگی مارکسسم - لنینیسم. از این روی بود که توفان دوره دوم با تمام مشکلات ناشی از این دوره پایه‌رسمه حیات میگذازد.

## توفان دوره دوم

بعد از برگشت رفیق الف - ص، اولین هسته مقاومت را با دو نفر از رفقای صدیق حزبی سو جود می‌آید، این هسته در ماه سپتامبر ۱۹۶۴ شروع به کار میکند و تصمیم گرفته میشود که کار خود را با حزم و احتیاط شروع کنند. و همچنین با افراد صدیق دیگری که خواهان مبارزه بودند تماس حاصل میشود و قول همکاری گرفته میشود. البته این گروه کوچک خواهان مبارزه با امپریالیسم و حکومت شاه بود. (ارتباط با این گروه را یکی از رفقای سه گانه داشت). از این روحیانه محبت نیست که در شماره‌هایی از توفان شماره‌ها کلمات عرفانی به کار می‌رفت. بعد از مدتی این گروه از توفان دوره دوم جدا شدند زیرا همکاری با این گروه سودی جهت مبارزه نداشت. حوز مبارزه میبایست در دو سطح انجام گیرد، یکی عمومی بر علیه رژیم و دیگری در دفاع از مارکسسم - لنینیسم. و نشریه توفان اولین نشریه اپوزیسیون ایران در این مقطع زمانی در دسامبر ۱۹۶۴ تحت رهبری رفقای سه گانه انتشار یافت و با گذشت زمان نیز حوزه‌های مارکسیستی - لنینیستی به این نشریه پیوستند. زیرا نشریه صد امپریالیستی توفان تنها صدای علنی حلقه‌ها در خارج و داخل بود و نیروی اصلی توفان که به "جوانان"

مارکسیست - لننیست توفان "معروف بود، جزوات مارکسیستی متعدد دی را به چاپ رساند. در مقدمه ای که بر جزوه "سبک ذهنی در تفکر و عمل" انتشار یافت، چنین میخوانیم:

"بنظر ما پراکندگی عیانی که در این زمانه نیروهای چپ و علاقتند به مارکسیسم لننیسم را از کار مبارزه خلاق توده‌های بازداشتناست. فقط و فقط منوط به عدم درک عمیق و صحیح اکثریت قریب به اتفاق این نیروها از ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی است. مادرکار خویش هنوز گرفتار شیوه تفکر ذهنی و برداشتهای اشتباه آمیز هستیم."

انتشار توفان بعنوان تنها نشریه ایرانی تاثیرات بزرگی بر محیط خود گذاشت و توسط نیروهای دمکراتیک نیز بداخل ایران حمل می شد ولی آنچه که قابل گفتن است اینست که طرفداران چین و بخصوص خود چینها از این مسئله بسیار ناراحت و بهت زده بودند، زیرا که آنها از غاصبین (۱) رهبری جنبش اطمینان گرفته بودند که فیروز از آنها کسی را یارای کار سیاسی و بخصوص در مخالفت قرار گرفتن با خود همینها در این جنبش "مارکسیستی" نیست، زیرا که در اولین شماره آن چنین میخوانیم:

"برای ما هیچ سیاستی، چه زرد و چه سرخ و چه سیاه و چه سفید تعیین کننده خط و مشی نتواند بود، خط و مشی ما بر اساس حق استوار است و در اجرای آن روش نوین جامعه شناسی که امروز سرمایه گرا نهیهای همه انسانهای روی زمین است، بهره برداری میکنیم." (شماره ۱)

رفقای آن دوره با نوشتن این عبارات به کسانی که کلید نجات خود را در دست چینها میدیدند، هشدار داد و همچنین بد آنها اعلان نمود، مارکسیست - لننیستها را نمیتوان بسادگی از میان برداشت. این عبارات در واقع اعلان جنگ رسمی با آنان بود.

\*\*\*\*\*  
۱ - غاصبین همان اکثریتی بودند که در چین ماندند و بعدها با همکاری کشاورز و به رهبری او سازمان انقلابی "را بوجود آوردند."

رفقای چین بعد از انتشار منظم توفان بیشتر متوجه شدند که —  
 میبایست به هر طریق شده این صدا را خفه کرد . از این رو بود که تقاضای  
 دعوت از رفیق الف — مر به چین کردند . البته ظاهراً "بخاطر وحدت  
 کل جنبش کمونیستی" ایران . منتهی با این شرط که نشریه توفان خاموش  
 شود . ولی در جواب این خواست آنها در شماره ۶ توفان این شعر  
 را میخوانیم :

تومان بر سر این پیمان	"توسیندیش بجز ایران
چمکی مرد و چه صد فامرد	که نیکانم چرخ و چه زرد
بر نیائی به مراد کام ."	چه سیاه و چه سپید اندام

و یا اینکه در شماره ۱۳ چنین میخوانیم :

" همه رنگها چه سرخ و چه زرد و چه سیاه فرو ریزیم و رنگ ایرانی خود را  
 پهلوی یک جنبش مقدس ملی برگزینیم ."

در آن دوره مبارزاتی ، این کلمات معنای خاصی داشتند . زود منتسب  
 به چینها و سرخ منتسب به شورویها بود . انگیزه نوشتن این مطالب  
 نشاندهنده آن بود که ما اطمینان کامل به حزب کمونیست چین نداشتیم  
 و حرکات مغرب آنها را در جنبش کمونیستی خود محکوم می ساختیم و درک  
 ما از مسئله آنقدر بود که میدانستیم که آن چیزی که ، چینها بوجود می آورند  
 که بعد ها بنام "سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور"  
 نامگذاری شد ، چیزی ناقص الخلقه و ضد مارکسیستی خواهد بود .  
 در تجربه این نظریات درست ما به اثبات رسید و سازمان انقلابی کارش  
 به دفاع از شاه و هیئت حاکمه کشیده شد .

با گذشت زمان ، توفان از لحاظ تشکیلات رشد میکرد و سازمان امنیت  
 ایران به خیال خود که چینها مانند روزیونیستهای شوروی تشکیلات مختلف  
 با نامهای مختلف بوجود می آورند ، سازمان توفان را در یکی از رنگین —  
 نامهای خوب منتسب به چین کرد ، در جواب بدان در توفان چنین  
 میخوانیم :

"سازمان امنیت (خواست) . . . با چسبانیدن مارک و نشان طرفداری از چین کمونیست، توفان را در یک وضع خاص قرار دهد و از اقبال و استقبال مردم آزاد مای که بسبب مستقل و حقیقت طلب به توفان روی آورد مانند و این شیوه را محسوس پسندند . . . . جلو گیرد . (توفان - شماره ۱۰ دوره دوم) از این نوشتجات بخوبی مشهود است که توفان دوره دوم نتیجه منطقی مبارزاتی آن دوره بود و عاطفی بود که توانست نهضت کمونیستی ایران را از دست برد کامل عوامل داخلی و خارجی مهون بدارد .

در ارزیابی از این دوره ، در شماره ۲۴ توفان سازمان مارکسیستی - لنینیستی چنین میخوانیم :

"پس از چیرگی روزیونیسیم بر حزب تود مایران ، عناصر وفادار به مارکسیسم - لنینیسم از آن بریدند و بتشکل مجدد همت گماشتند . بهمین منظور دوره دوم روزنامه توفان با عده قلیلی آغاز به انتشار نهاد . توفان نخستین روزنامه‌های بود که پس از چیرگی روزیونیسیم بر حزب توده ایران از جانب کسانی که از روزیونیسیمها برید بودند ، انتشار یافت . انتشار توفان فسی - النفسه گام مثبتی بود زیرا بسیج فعال و آگاهانه نیروها بدون وجود یک نشریه سیاسی ممکن نبوده و نیست . کسانی که لزوم انتشار چنین نشریه‌های را نفی میکردند ، دانسته یا ندانسته میدان را برای ارکانهای تبلیغاتی روزیونیسیمها خالی میگذاشتند . ناشرین توفان با وجود اشکالات فراوان میخواستند هر طور شده به نبرد با اپورتونیستهای حزب توده بشتابند . . . . ولی دوره دوم روزنامه توفان در نخستین شماره‌های خود نتوانست به این حقیقت عام‌جاه عطل بیوشاند و تاچندی به اعلام شماره‌های عام دموکراتیک اکفا کرد . در داخل سازمان مبارزاتی کبر علی‌ر استروی آغاز شد مورد شدت گرفت . تضاد برای انتخاب دوره‌های کآیا توفان به شیوه متزلزل گذشته خویش ادامه دهد و یا صریحاً شی مارکسیستی - لنینیستی انتخاب کند . مبارزات درونی توفان روز به روز بیشتر موجب روشن شدن راه روزنامه و اتخاذ شی صریح مارکسیستی - لنینیستی گردید . برای نمونه

از مقدما یک روزنامه توفان بر اعلامیه رفقا "سغائی - فروتن - قاسمی" نوشت و یاد کرد . در آنجا چنین میخوانیم :  
"امروز جنبش رهایی بخش صهیون ما برای برانداختن سلطه استعمار و —  
استثمار ، احتیاج به رهبری يك سازمان واحد اصیل ، مارکسیست - لنینیست  
یعنی احیا " حزب سیاسی طبقه کارگر دارد . "

این مبارزه ضد رهیونیستی همچنین در مقدما یک در شماره ۱۹ توفان بر  
نامه " رفیق قاسم ، نوشته بود انعکاس یافت . . . . شماره ۲۲ توفان نقطه  
عطش بود . در این زمان کسانی که در اشتباهات و نوسانات گذشته اصرار  
ورزیده بودند ، و یا به جهت منشی صحیح کشانده شدند و خود را در اختیار  
خط حسی مشخص جدید قرار دادند ، و یا برای همیشه از توفان روی -  
گردانیدند . "

تشکیل دوره دوچوفان همانطوریکه اشارت فرمود ، با مشکلات فراوان توأم  
بود و مسلماً این پدیده رشد یابنده بود . منتهی رشد این پدیده تحمیل  
و فداکاری های زیادی را طلب مینمود . از اینرو بعد از مدتی در وضعیت  
از پایه گذاران و رفیق دیگری از رهبری یکی پس از دیگری سنگرمبارز را به  
خاطر سنگینی باری که متوجه رهبری بود ، ترك گفتند و از ۶ نفر در رهبری  
سمنفرباقی ماندند . در همین ایام انجمن دانشجویان مونیخ ۵ بزرگترین انجمن  
دانشجویان کفدراسیون بود بطور کامل تحت رهبری توفان در آمد و از -  
پایه نیز سمنفر به هیئت رهبری اضافه شدند .

رفیق الف - ص که در آن ایام مسئول تشکیلات و امور بین المللی  
دوره دوچوف بود ، بقصد گسترش زمان به محل دیگری رفت . در هیئت این  
رفیق ، فردی از هیئت رهبری که بعدها معلوم گشت یکی از اعمال " سازمان  
انقلابی در خارج از کشور " در درون سازمان توفان بود ، رفقای جوان را  
تحت تاثیر خود قرار داده برای انحلال توفان نقشه شومی کشیده بود  
که این نقشه ما حطه و تحت نا روا به رفیق الف - ص آغاز گردید .  
در این ایام شخص فوق الذکر قادر گردید که اکثریتی از ۴ نفر در مقابل

دو نفر بوجود آورد . و این اعمال ریاکارانه وی باعث گردید ه بود که رفیق دیگر از اقلیت نیز به تنزل گرفتار آید . در نتیجه رفیق الف - ص در اقلیت محض قرار گرفت . آنها مهملات خود را مبنی بر اینکه توفان نمیتواند بیستش از این به زندگی خود ادامه دهد و وجود آن " انشعاب در جنبشش کارگری است ، " و یا اینکه ارتباط با رفقای سه گانه ، قاسمی ، فروتن و سخائی که " روزیونیستهای کهنه کاری " هستند ضربه به جنبش مارکسیست - لنینیست ایران است ، همچنین ارتباط الف - ص با رفیق قاسمی و دو نفر دیگر و کمک به آنها از طرف الف - ص " برخلاف " موازین تشکیلاتی است و بخصوص آنکه رهانیدن این رفقا از مرگ حتمی ، گناه کبیر تشکیلاتی الف - ص - محسوب گشت .

این مجادلات باعث شد تا روزنامه توفان بمدت ه ماه تعطیل گردد . در واقع این نوع حملات از جانب " چپ " انجام میگرفت . سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان این مقطع از مبارزات داخلی را چنین ارزیابی کرد :

" در اینجا چون مبارزه با راست روی به پیروزی رسیده بود ، خطر چپ روی بوجود آمد . عدوهای سودجو و فرصت طلب ، با سوء استفاده از شهر انقلابی رفقائی که از مبارزه با راست روی با موفقیت بیرون آمده بودند ، در صدد انحراف توفان بسوی دیگر برآمدند و توانستند بر پیکر نیروی جدیدی که رشد گرفته بود و میخواست به نبرد قاطع با روزیونیستمد ادامه دهد ضربه جدی وارد آورند . این فرصت طلبان توانستند روزنامه توفان را برای چندین ماه تعطیل کنند و میدان را برای روزیونیستهای حزب توده ایران و شرکا\* ایشان خالی بگذارند . " ( توفان مارکسیستی لنینیستی ۲۴ )

دوره دوم توفان در این ایام یکی از بحرانی ترین مراحل خود را در رهبری میگذراند ، با تن دادن به نظر اکثریت که خواهان انحلال توفان است و یا اینکه با اتکا\* به توده های پایه سازمان با هجوم به رهبری پیوسیده ، اکثریت وی را تلاشی کرد و مشی درست را حاکم گردانید ؟ بسا تکیه بر اصل اتکا\* به توده ها و روشن کردن آنان ، در یک نشست هیئت

مرکزی و انحلالیون و بخصوص سردمداران آنان "گیتی" توسط رفیق الف ... ص  
 و رفیق دیگر اقلیت و افشا شدند و رفیقی از اکثریت به نظر اقلیت پیوست  
 ( دوفرد دیگر نیز بعد از چند ماهی با انتقاد از خود به اقلیت پیوستند ) .  
 دشمنان مارکسیسم - لنینیسم در آن زمان فریاد برآوردند که رفیق الف - ص  
 کودتا کرده است و بدون تصمیم‌گیری اکثریت و ارگان توفان را دوباره انتشار  
 داد است . آنها از نقض وحدت صحبت داشتند ، البته وحدت امر بزرگی  
 است و لنین کبیر می‌آموخت که کمونیستها باید وحدت حزب را مانند مردمک  
 چشم گرامی بدانند . فقط آنگاه که تضادهای درونی حزب به صورت تضادهای  
 آنتاگونیستی درآید ، فقط آنگاه که اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم  
 در معرض انکار قرار گیرد ، کمونیستها میتوانند و باید وحدت را نقض کنند .  
 در این باره در ارزیابی از این مقطع زمانی چنین میخوانیم :  
 "توفان دوره" دوم با وجود تمام نواقص و خطاهای بزرگی که مرتکب شده  
 در تاریخ جنبش کمونیستی ایران نقش مثبتی بازی کرده است و بالاخره همین  
 توفان بود که سکوت را شکست و در مقابل روزیونیسم قد علم کرد " ( در باره  
 تاریخچه سازمان مارکسیست - لنینیست توفان . شماره ۲۴ )  
 اقلیت در این دوره بدرستی حق داشت که به این عمل انقلابی  
 دست یازد و تجربه نیز بدرستی این عمل را با ثبات رسانده است .  
 و باز در ارزیابی از دوره دوم توسط سازمان مارکسیستی - لنینیستی  
 توفان چنین آمده است :  
 " البته تفاوت دشمنان ما به نحو دیگری است . ما جهات منفی فعالیت  
 دوره دوم توفان را از جهات مثبت آن تفکیک میکنیم . در حالیکه  
 دشمنانمان جهات منفی آنها را مطلق میکنند . ما به تمام دوره دوم استناد  
 میکنیم در حالیکه آنها در جبهه از آن دوره نقل میکنند و نقش مثبتی را که  
 دوره دوم توفان بعهده داشته است بدست سکوت می‌سپارند و به دشمنان  
 توسل می‌جویند ؛ ولی بقول لنین دشمن سیاسی همیشه روی عدل‌مصلحت  
 ایدئولوژی ، بیچارگی و ضعف و سستی ، ضعف و سستی فوق‌العاده

دشنام دهنده، سرپوش میگذارد. \* (توفان شماره ۲۴ درباره تاریخچه  
سارمان مارکسیستی - لنینیستی توفان)

ما باید در ارزیابی گذشته و تحلیل حوادث مهم معیارهای ماتریالیسم  
تاریخی را درست داشته باشیم و دشواریهای کار را مورد مطالعه  
قرار دهیم. ما معتقد هستیم که در این دوره اشتباهاتی داشته‌ایم و  
سلما در این دوره رفیق الف - ص نیز از این اشتباهات سهمی داشته‌است.  
متأسفانه این رفیق تنها رفیق با تجربه از نهضت کونیستی ایران  
بوده‌است، بفرنجی مسائل اجتماعی، مشکلات ناشی از بروز روزیونیسم  
توطئه‌های متعدد از جانب‌خارج و داخل نهضت و بعد در درون دوره  
دوم توفان که میتوانست بفرنگ یا زندگی این دوره بیانجامد، همه اینها  
مسائل بفرنج اجتماعی بود که در آن دوره موجود بودند و تیزی حملات  
مخالفین چه از درون و بیرون که توجه رفیق الف - ص بود، وظایف  
این رفیق را مشکلتر می‌ساخت.

در دوره دوم توفان مساعی فراوان به عمل آمد که با احزاب مارکسیستی  
لنینیستی کشورهای دیگر ارتباط برقرار کرد. اولین ارتباط در این  
دوره با حزب کونیست مارکسیست - لنینیست ایتالیا بوجود آمد  
و سلما در این ایام که احزاب مارکسیست - لنینیست با جدا شدن  
از احزاب روزیونیستی بوجود می‌آمدند، شناسائی افراد تشکیل -  
دهنده خود معیاری برای اعتماد بر این احزاب بودند. رفیق  
ایتالیائی با شناختی که از رفیق الف - ص داشتند، بوجود آمدن توفان  
دوره دوم را خوش‌آمد گفتند و قول همکاری و کمک متقابل را متذکر  
شدند. از این رو بود که آدرس خود را برای استفاده در اختیار  
دوره دوم قرار دادند و تا کنون نیز همین رفقا در شناسائی دوره سوم  
و بعداً دوره چهارم یعنی حزب کونیست کارگران و دهقانان ایران  
کوتاهی نورزیدند.

در آنزمان یعنی سالهای ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ و بعد از حمله روزیونیسم  
خروشنجفی تعداد انگشت شماری از احزاب توانستند تشکیلات واقعی حزب  
طبقه کارگر را احیا کنند و حزب کونیست م. ل ایتالیا از آن زمره بود.  
رفقای ایتالیائی در دوره دوم کمکهای ذیقیمتی به جنبش



مارکسیستی - لنینیستی ایران انجام دادند . از آن جمله کمک موشی به نجات رفقا قاسمی ، فروتن و سفائی نمودند ، که در آن زمان بهر اثر توطئه خائنانه سازمان انقلابی بدون مدارک شناسائی و یا پاسپورت و گذرنامه‌ای و بدون کوچکترین امکانی سرگردان گشته بودند . و بخصوص آنگاه که رفیق الف - ص با تفاق رفقا ، قاسمی و فروتن با نداشتن هیچ برگه قانونی بدانها روی آوردند ، آنها با روحیه انترناسیونالیستی کمونیستی از این سرفریق که خطراتی را نیز پشت سر گذرانده بودند ، حمایت کردند . این کمک موثر نشانه روحیه انترناسیونالیستی این حزب برادر بود که برای ما آموزندگی فراوانی در برداشت .

متأسفانه در این دوره به توصیه چینی ها ، ما در یک محاصره کامل قرار گرفته بودیم . از این رو قادر نگردیدیم با احزاب دیگر در ارتباط قرار گیریم .

در دوره دوم توفان اواخر سال ۱۹۶۵ ( ۱۳۴۳ ) برای اولین بار خبری اقمیم که مبارزه سختی در درون کمیته مرکزی حزب توده ایران در جریان است و رفیق قاسمی رهبری این مبارزه ایدئولوژیک را دارد . از این جهت سعی فراوان کردیم که با رفیق ارتباط نزدیک برقرار کنیم . متأسفانه در این دوره به خاطر فقدان امکانات و بخصوص فقدان کادرهای قدیمی که بتوانند از عهده برقرار کردن این ارتباط برآیند ، ما قادر نگردیدیم که به فوریت با آن رفقا تماس برقرار نمائیم .

بعد از مدت‌ها با رفیق قاسمی ارتباطی غیر مستقیم برقرار کردیم ولی رفیق قاسمی و فروتن و سفائی قول همکاری به سازمان انقلابی داده بودند . گردیدن این رفقا به سازمان انقلابی ضربه بزرگی به توفان محسوب می‌شد و حتی خود باعث تسلزلاتی در رهبری توفان دوره دوم بود و افراد فرصت طلبی در رهبری میخواستند این گروه را وسیله‌ای برای احساق بودن موجودیت توفان جلوه دهند . ولی با مبارزه قاطع و استدلال اینکه این رفقا در " سازمان انقلابی " نخواهند ماند ، برای مدتی این افراد

فرصت طلب را خاموش ساخت . ولی تصمیم گرفته شد که بهر نحوی شده است از این رفقا و نظراتشان دفاع شود . از این رو بود که اعلامیه "خطاب به تمام رفقای حزبی" رفقای سه گانه را که در خرداد ۱۳۴۴ صادر شده بود و سا زمان انقلابی مسزورانه این اعلامیه را از دید دیگران مخفی نگاه داشته بود ، در شماره ۱۸ توفان دوره دوم با یک سرمقاله ای در حمله به روزنویستهای حزب توده انتشار دادیم . انتشار وسیع این اعلامیه "سازمان انقلابی" را به واکنش عجیبی واداشت که باعث افشا بیشتر آنان گردید . آنها اعلان داشتند که توفانها این اعلامیه را از ما در دیدمانند این خود نشاندهنده آن بود که رهبران "سازمان انقلابی" از انتشار چنین اعلامیه ای بهراس افتادمانند . متعاقب آن رفیق قاسمی مقالاتی چند برای توفان دوره دوم فرستاد که در توفان آن دوره به چاپ رسیده است . در این دور رفیق قاسمی ارتباط خود را با توفان نگه داشت . \*

\*\*\*\*\*

\* - رفیق قاسمی از آن جمله رفقای دور اندیشی بود که به "سازمان انقلابی" از همان اوان کار به دیده تردید می نگریست . از اینرو بود که او ارتباطش را با سازمان توفان قطع نکرد و دلش این است که وی مقالاتی برای درج در دوره دوم توفان به ما ارسال کرد . این رفیق آنقدر اصولی بود که اگر بعنوان عضو سازمان انقلابی "محسوب می شد ، هیچگاه ارتباطش را با توفان دوره دوم نگه نمیداشت . برای صحت این موضوع رجوع شود به نشریه "نامه به رفقا" که رفیق قاسمی یکی از اعضا کنندگان این نامه است . او در جواب اتهاماتی که از طرف "سازمان انقلابی" به وی به خاطر همکاری اش با توفان وارد میکردند و او را محکوم میکردند که وی عضو آنها بوده ولی با توفان نیز ارتباط داشته است ، چنین جواب میدهد : " چگونه ممکن است ما با سازمانی که هنوز برنامه ندارد ، اساسنامه ندارد ، نشریه ندارد ، نام ندارد و در واقع هنوز سازمان نیست ( منظور سازمان انقلابی است - توفان ) موافقت صد در صد اعلام داشته باشیم؟ " (نامه به رفقا - ص ۱۲) - ۱۶ - بقیه در صفحه بعد

در پائیز ۱۹۶۶ (۱۳۴۵) ملاقاتی بین الف - ص و رفقای سه گانه در پاریس بوجود آمد و این ملاقات و ملاقاتهای متعدد دیگری با رفیق الف - ص را همراه داشت و بالاخره در زمستان همان سال با امکاناتی که رفقای حزب مارکسیست - لنینیست ایتالیا در اختیار گذاشتند و رفقا قاسمی و فروتن به ایتالیا انتقال داده شدند. بعد از این سفر موفقیت آمیز و فرصت طلبان درون هیئت مرکزی دوره دوم، به عنوان اینک رفیق الف - ص کار غیرتشکیلاتی انجام داده است او را مورد حمله قرار دادند. این فرصت طلبان با بدست آوردن یک اکثریت کاذب در رهبری ادعا کردند که قبل از انتقال ص بایست به رهبری ثابت شود که این رفقا مارکسیست - لنینیست هستند ؟ و ادعا کردند که اینها در رهبری حزب توده شگت داشته اند و در شکست حزب توده شریک اند و به این خاطر نیز آنان را از سازمان انقلابی "اخراج کرده اند. ارتباط نزدیک رفیق الف - ص با رفیق قاسمی و کله به خانواده وی را که در سختترین شرایط گرفتار آمده بودند، محکوم کردند. ولی همانطوریکه اشاره رفت رفقای اقلیت تصمیم خود را گرفته بودند و بایست که حرکت انقلابی تمام نقشه فرصت طلبان و خائنین را نقش بر آب ساختند و آنها را از رهبری راندند. بعد از این مبارزه موفقیت آمیز موقع آن رسیده بود که برای اولین بار هیئتی از رهبری به اتفاق الف - ص مازم ملاقات برای دیدار رفقا گردد و ملاقات یک جانبه الف - ص با رفقای دوگانه خاتمه پذیرفت و راه برای همکاری ارگانیک هموارگشت.

در ملاقات الف - ص با رفقای سه گانه و معلوم گردید که اختلاف نظرهایی بین این رفقا موجود است و حتی قبلاً نیز این موضوع توسط "سازمان انقلابی" شایع شده بود. در این دیدارها رفیق قاسمی در مقابل

.....

دنباله از صفحه قبل -

در حقیقت امر در آن ایام "سازمان انقلابی" نامی بی محتوا بود زیرا فاقد همان چیزهایی است که رفیق در بالا ذکر کرده است.

پرسش رفیق الف - ص که خواستار دانستن موارد اختلاف گردید، توضیح داد که بر سر مسئله "کیس شخصیت استالین" ما بین او و رفیق دیگور اختلاف نظر موجود است. در ابتدا تصور میرفت که میتوان رفقای دوگانه را متقاعد کرد. رفیق سفائی عقیده مند بود که هیچ نحوی نمیتوان از استالین دفاع کرد و فروتن نیز نظر میداد که مسئله اصلی مارکسیسم-لنینیسم است و اگر کسی استالین را قبول ندارد، میتواند با ما همکاری کند. این کشمکش و مجادلات مدتها ادامه داشت. برای برطرف کردن این بحران که میتوانست مشکلات زیادی را فراهم کند، رفیق الف - ص از رفیق قاسمی چاره جویی کرد و رفیق قاسمی اعلان کرد که واقعیت این است که ما تک و تنها هستیم، در صورتیکه شما دارای سازمان هستید، بنابراین تشکیلات شماست که میتواند تصمیم بگیرد. هر کس را که مطابق مشی شما عمل نماید در درون خود بپذیرد. در نتیجه طرفداری الف - ص از استالین و اعتقاد او به اینکه استالین پرچم است و کسانی که کیس شخصیت استالین را بپذیرند، در توفان جای نخواهند داشت و رفیق سفائی از این جمع جدا شد و به رومانی رفت و فروتن نیز بالاچار در جمع ما ماند.

در نشست مشترکی که بین هیئت نمایندگی توفان دوره دوم و رفقای دوگانه انجام گرفت، توافق کامل برای همکاری مشترک بوجود آمد و از این به بعد ارگان توفان تبدیل به ارگان توفان سازمان مارکسیستی-لنینیستی گردید و سازمان مارکسیست - لنینیست توفان اعلام گشت.

( تابستان سال ۱۹۶۷ )

رفقای دوگانه قاسمی و فروتن به رهبری پذیرفته شدند. نقش رفیق قاسمی در این دوره از توفان کبه دوره سوم مشهور است و به مثابه رفیقی باتجربه، فداکار و آموزگاری بزرگ بسیار ارزنده بود. بسیاری از رفقای توفان در اثر رهبری داهیا نه این رفیق، کیفیت عالی کونیستی را کسب کردند. از این تاریخ به بعد وجود رفیق ارزشندی چون قاسمی در رهبری توفان و تلاش شبانه روزی او برای تربیت رفقا باعث شد که در -

همان سال اول این دوره سازمان توفان از لحاظ کمی و کیفی رشد سریع کند و در خارج از کشور به مثابه نیروی استوار و آگاه و مدافع مارکسیسم - لنینیسم اظهار وجود کرد. از این به بعد سازمان توفان مدیون زحمات شبانه روزی این رفیق بزرگوار است که توانست رفقای توفان را بدرستی رهبری کند.

همکاری مشترک شروع شد و برنامه "وظائف میرم و فوری" که به رفقا ارائه داده شده بود، در کل مورد توافق قرار گرفت. روزنامه توفان بعد از ۲۷ شماره دوره دوم خود را پایان داد و اعلان سازمان مارکسیستی لنینیستی کرد. دو سال اول سالهای توافق و اتحاد بود و ولی کم اختلافات بر سر احیاء حزب آغاز گشت. تا این زمان نیز رفقای مادر ایران توانسته بودند تشکیلاتی بوجود آورند. فروتن مسلماً مخالف بود. ولی جرات نمی کرد مبارزات رفقای داخل را به کلی نفی کند. وی همیشه سعی داشت مبارزات رفقا را ناچیز جلوه دهد و سعی داشت از ارزش گزارشات رفقا بکاهد. با تمام این احوال طرح برنامه و اساسنامه تنظیم شد. فروتن دائماً سعی داشت در رفقا شك و شبهه ایجاد نماید و این شیوه خرابکاری را تا آخرین مرحله ای که در سازمان بود همواره ادامه داد. او همچنین از آنجا که در مقابل رفیق قاسمی و در مقابل با استند لائتوی زبون و عاجز بود، از اینکه رفقای هیئت مرکزی نظرات درست و راهنمایی های حکیمانه رفیق فقید را به جان می پذیرفتند، رنج فراوان می برد. مسئله احیاء حزب در واقع از سال ۱۹۷۰ یکی از محورهای اساسی اختلافات در درون هیئت مرکزی بود، فروتن که عاطل و باطل گشته بود، به توطئه‌هایی دست میزد، سعی میکرد که رفقای ضعیف مانند "مهدی" را که عنصری متزلزل در درون هیئت مرکزی بود بخود جلب نماید و با دست دیگران اهداف خود را عملی سازد. از آن جمله است توطئه‌های که بر علیه رفقای ایران بدست "مهدی" طرح ریزی کرد بدین ترتیب بود که "مهدی" ادعا کرد که اطلاع یافته که رفقای ایران مستقل شده‌اند و دیگر هیئت مرکزی را قبول ندارند. مسلماً تحقیق در این

زمینه وقت زیادی لازم داشت و ماهها به طول می انجامید . پس از تحقیق معلوم گردید که رفقای ایران به هیئت مرکزی کاملاً " وفادارند .

" و در همین دوران جنبش چریکی در ایران رشد یافته بود و فروتن از جنبش چریکی بسیار خشنود بود و عقیده مند بود که رفقای ما بایستی این جنبش همکاری نزدیک داشته باشند ، و همین دستورات او بود که بالاخره رفقای ما در رابطه با چریکها دستگیر شده و تشکیلات مادر ایران از هم پاشیده شد . " با پیش آمدن دستگیری رفقای ما در ایران ، فروتن استدلالاً محکم برای خود پیدا کرد و ادعا کرد که احیاء حزب قاعدتاً " در دستور کار توفان نمیتواند باشد ، بقول وی وظیفه ما بایستی منحصر به این میبود که افکار مارکسیستی - لنینیستی را در سطح ایران اشاعه دهیم تا گروههای مارکسیستی - لنینیستی ای که در ایران وجود دارند ، آموزش پیدا کنند و خود دست به احیاء حزب زنند ، البته او سعی فراوان داشت به هیئت مرکزی بقبولاند که در ایران حتماً " گروههای مارکسیست - لنینیست وجود دارند و ما از وجودشان بی اطلاعیم . در حقیقت او میخواست این مسئله را جااندازد که دیگر توفان به فکر احیاء حزب نباشد . او " مهدی " را که تنها اتکانش بود ، بجان هیئت مرکزی انداخت و " مهدی " حملات و تهنئه های ناروایی به رفیق قاسمی وارد می آورد . مجادلات با " مهدی " که پیش از یکسال به طول انجامید ، و فروتن پشتیبان و حامی او بود ، چنان وضعی در هیئت مرکزی پیش آورد که هرگز قادر نبود در مقابل خرابکاری های " مهدی " به تصمیم گیری جدی دستبزند . او در کارهای خود بر علیه هیئت مرکزی از پشتیبانی بی دریغ فروتن برخوردار بود ، از اینرو تا آخرین وهله هم هیئت مرکزی نتوانست او را اخراج کند بلکه او خود سازمان را به قصد از هم پاشاندن آن ترک نمود ، جزوه " سرایا تهمت و ناسزاهای او موسوم به " سخنی چند با رفقا " آخرین نتیجه توطئه های فروتن در شوراندن " مهدی " بر علیه هیئت مرکزی توفان بود .

در هیئت مرکزی توفان اختلافات بس عمیق سیاسی بوجود آمد که با نتیجه

نقض موازن اصول تشکیلاتی را در برداشت . در این مبارزات درونی رفیق قاسمی نمایندده ومدافع نظرات لنین بود و فروتن نماینده کسروه اپورتونیست و فرصت طلب بود .

در این مبارزات تنها رفیق قاسمی و فروتن و رفیق الف - ص شرکت داشتند و رفقای دیگر هیئت مرکزی طبق اسناد رسمی ومشاجرات درونی کمیته مرکزی چندان رلی نداشتند که عبارتند از ؛ عضو رهبری . ایمن ؛ نفر عضو رهبری متاسفانه ول پاسیو و اپورتونیستی در قسمت اعظم مبارزات داخلی داشتند و رفیق ک یکی از این ؛ نفر در سال آخر حیات قاسمی توانست تا اندازه ای در جهت درست مبارزه درونی قرار گیرد . ولی بعد از مرگ رفیق قاسمی ، این رفیق نیز به خاطر شرایط خصوصی در مجموع خود به خاطر نجات خویش موضع متزلزلی در تمام مراحل مبارزه درونی اتخاذ نمود . اختلافات عمیق سیاسی که هیئت مرکزی با فروتن داشت از این قرار بودند :

- ۱ - مسئله امپریالیسم .
- ۲ - تضاد عمده در جامعه ایران .
- ۳ - قانون اساسی ایران .
- ۴ - مسئله وحدت با سازمان انقلابی .
- ۵ - مخالفت شدید وی با احیاء حزب .
- ۶ - مسئله عمده بودن مبارزه درونی ( که با این وسیله هرگونه نقض اصول تشکیلاتی را جایز می شمرد ) .

چون اسناد مربوط به این مسائل در تاریخچه ۱۴ سال توفان بطور مفصل آمده است ، ما به اختصار نمونههایی از این موارد اختلاف را می آوریم .  
از نامه رفیق قاسمی به تاریخ ۱/۱۱/۲۳ ضد رده در تاریخچه ۱۴ سال توفان ص ۸۴ ؛ در موقع نگارش " روزیونیسیم در تئوری و عمل " رفیق بهرام\*

\*\*\*\*\*

\* - بهرام اسم مستعار فروتن و کورش اسم مستعار رفیق قاسمی و سنجر اسم مستعار رفیق الف - ص - ۲۱ -

استدلال میکرد که چون ممکن است پیش از آنکه دوران کمونی ( یعنی دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم ) بی‌پایان برسد ، امپریالیسم از میان برود ، پس "تضاد میان اردوگاه سوسیالیستی و اردوگاه امپریالیستی" و "تضاد میان خلق‌های ستمدیده و امپریالیسم" و "تضاد میان کشورهای امپریالیستی" را نمیتوان در جزو تضادهای اساسی بشمار آورد . بنظر رفیق بهرام ممکن است امپریالیسم در اثر مبارزات خلقها نابود شود ولی سرمایه‌داری در یک سلسله از کشورها هنوز باقی باشد .

در مورد مسئله دوم یعنی تضاد عمده در جامعه ایران :

از نامه رفیق قاسمی ( کورش ) در این مسئله ، ۱۱ / ۱ / ۷۳ در تاریخچه ۱۴ سال توفان - صفحه ۸۶ :

"رفیق بهرام معتقد بود که از میان دو تضاد اساسی جامعه ایران ، تضاد خلق با امپریالیسم و تضاد توده‌های دهقانی با نظام کهنه قرون وسطایی و رژیم نماینده آن ، تضاد اخیر عمده‌است ."

در مورد مسئله سوم قانون اساسی : در همان نامه :

"رفیق بهرام به قانون اساسی زیاد بها میداد و احکامی از این قبیل می‌آورد که "قانون اساسی مال همه مردم است" . . . گفتند راسیون نمیتواند شعاری بر خلاف قانون اساسی بدهد ."

در مورد مسئله چهارم : وحدت یا "سازمان انقلابی" :

از نامه فروتن به هیئت مرکزی توفان - تاریخچه ۱۴ سال توفان صص ۱۲۷

"یکی از این اقدامات کوشش در متحد ساختن سازمانها و عناصر مارکسیست - لنینیست در ایران و خارج است و در حال حاضر در خارج است . . . اما اکنون "سازمان انقلابی" و "سازمان انقلابیون کمونیست" اشتباهات خود را در مجموع اصلاح کرده‌اند" در همانجا صحه ۱۶۹ چنین می‌خوانیم :

"سازمان انقلابی" در پارهای از نظر اشتداد درست گذشته خود تجدید نظر بعمل آورده و آنها را اصلاح کرده‌است "باید توجه داشت که "سازمان انقلابی" سازمانی بدنام بود که غیر از انحرافات سیاسی و ایدئولوژیکی



با ساواک ایران نیز همکاری داشته است .

در مورد مسئله ششم - عمده قرارداد آن مبارزه درونی در سازمان

سیاسی طبقه کارگر و نه عمده داشتن وحدت :

"یکی دیگر از اختلاف نظرها با رفیق بهرام بر سر مسئله طرفیست  
تضاد ، طرف عمده تضاد ، و مبارزه درونی حزب است . رفیق بهرام در جلسه  
۱۱/۱۱/۷۱ شرحی قرائت کرد و در آنجا گفت :

"جهت عمده مبارزه درونی حزبی است و نه وحدت . . . . ."

و در حقیقت امر با آوردن این تز سازمان شکن فروتن میخواست فعالیت  
مخربانه خود را جنبه "تئوریک" دهد .

## مسئله احیاء حزب

مسئله احیاء حزب طبقه کارگر یکی از وظایفی بود که رفقای کارهای

حزب توده در مبارزه خود بر علیه کمیته مرکزی آنرا وظیفه "مهم خود -

میدانستند . ولی مبارزه با روزیونیسم و موضع گیری در مقابل این انحرافات  
معنی واقعی خود را بدون احیاء حزب از دست میداد . ماسفانه در طول  
مبارزه همانطوریکه در قسمت اول این جزوه آمده است ، انحرافات و مشکلات  
جدیدی به وقوع پیوستند که منجر به بوجود آمدن توفان گردید .

در این دوره اکثریت کارهای جدا شده از کمیته مرکزی حزب توده بدام

سیاست اپورتونیستهای چینی افتادند . اصولاً چنینها با تشکیل احزاب  
مارکسیست - لنینیست مخالفت داشتند . رجوع شود به اسناد رفقای آلبانی  
در این زمینه ، ثانیاً و همیکه آنها در مقابل عمل انجام شده یعنی بوجود آمدن  
احزاب مارکسیست - لنینیست قرار گرفتند ، شیوه دیگری اتخاذ کردند .

آنها در هر کشوری هر گروهی را که خود را مارکسیست - لنینیست میداد  
انست ، برسمیت شناختند ، نظری کوتاه به مجله هفته ناه\* پکن بخوبی نشان  
میدهد که در آلمان ، ایتالیا ، فرانسه ، اسپانیا . . . گروههای مختلفی  
را برسمیت شناختند ، از اینرو بود که گروههای اپورتونیست بورژوازی

"سازمان انقلابی" در کوبیدن نظریه احیا، حزب طرف ما سعی وافر  
کردند و حزب کمونیست چین نیز در سال ۱۹۶۸ برای آنکه به هندستان خود  
قوت بیشتری دهد، در جلسهای که رفقای احزاب برادرار آن جمله رفقای  
حزب کمونیست، مارکسیست - لنینیست ایتالیا شرکت داشتند، بطور  
رسمی به سازمان توفان حمله میکند و برای تخطئه سازمان مارکسیست -  
لنینیست توفان که میرفت تا وجه بین الطلی کسب کند، تهمت میزند که  
سازمان مارکسیست - لنینیست توفان نمیتواند مورد اعتماد باشد زیرا  
"در رهبری آن دونفر قاسمی و صدیقی قرار دارند که اولی جاسوس سوویا -  
امپریالیست و دومی پرووکاتور بین الطلی است." (این اطلاعیه از طرف  
حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست ایتالیا است.)

هیئت مرکزی سازمان مارکسیست - لنینیست توفان، مصوباتی درباره  
احیا، حزب به تصویب رساند که متأسفانه به خاطر شرایط ترکیب درونی  
هیئت مرکزی قادر نشد، این تصمیمات را اجرا کند.

نظریه "گروه فروتن در این مورد چنین است:

"به نظر من هیئت مرکزی سازمان توفان باید گرایش خود را، شیوه تفکر  
ذهنی خود، اشتبا بزرگ "احیا" حزب "تصمیمات نادرست خود  
را . . . . همه جانبه مورد انتقاد قرار دهد."

(از نامه فروتن در اسناد ۱۴ سال توفان صفحات ۲۰ و ۲۱)

## تشکیل کنگره موسس حزب

همانطوریکه اشاره رفت در دوران توفان سوم، هر از جنجال و اختلافتات ایدئولوژیکی و سیاسی بود. در این دوره مسئله احیاء حزب یکی از اختلافات اساسی بشمار میرفت زیرا که در این دوره چند بار هیئت مرکزی تصمیم به احیاء حزب گرفت که همگی بدون نتیجه ماند. و تا بالاخره در یک مبارزه جدی اکثریت رهبری اپورتونیست که در رأس آنها فروتن اپورتونیست قرار داشت، از جنبش کمونیستی منفرد شدند. مبارزه‌هایی که در سطح رهبری سازمان مارکسیست - لنینیست توفان در گرفته بود، مبارزه‌های بود که در طول سالهای متعددی در جریان بود ولی با گذشت هرچه بیشتر زمان اختلافات حاد و حادثه‌تر میگردد. و در سالهای آخر میتوان اختلافات در رهبری را چنین خلاصه کرد.

فراکسیون فروتن خواهان وحدت با گروههای دیگر اپورتونیست در خارج از کشور و نفی حزب بود.

در طرف دیگر رفیق سنجر با اکثریت نیم بند اپورتونیست که هیچگونه آئیندای برای مبارزات خود و سازمان در نظر نداشتند و از اینرو بود که دائماً در حال تردید و یاس، به زندگی سیاسی خود ادامه میدادند و تجربه نیز اینرا ثابت کرده است، قرار داشت.

به پیشنهاد رفیق سنجر کمیسیون تدارک کنگره که مرکب از سه نفر بودند بوجود آمد و فقط آن کارهایی از سازمان م. ل. توفان به کنگره دعوت شدند که در مبارزات سالهای گذشته توفان به خاطر احیاء حزب مبارزاتی را انجام داده بودند. کمیسیون تدارکات کنگره، کاندیداهای کمیته مرکزی را تعیین کرد و حتی رفقای را که در ایران بودند و قادر به مسافرت نبودند، کاندیدای کمیته مرکزی و یا اعضا، مشاور کمیته مرکزی برای معرفی به کنگره موسس انتخاب نمود. و در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۵۶ کنگره

موسس تشکیل شد .

برای شرکت کنندگان در کنگره ، مسئله " احیا " حزب اهمیت درجه اول داشت زیرا کارهای سازمان توفان بعد از ۱۴ سال مبارزه ، بخاطر این امر قادر گردیده بودند ، به آرزوی " احیا " حزب نائل گردند . برنامه و اساس - برنامه حزب همان طرح برنامه و اساسنامه دوران توفان بود که البته با کمی تغییرات به کنگره ارائه داده شده . در واقعیت امر مسئله تکمیل برنامه و اساسنامه و جز مسائل ثانوی کنگره و رفقای شرکت کننده بود . زیرا که قبلا این برنامه مورد بحث و مطالعه رفقای طرفدار حزب قرار نگرفته بود و بر فرض هم مورد بحث قرار میگرفت ، در شرائط آن زمان چه چیز اساسی ای را در برنامه تغییر نمی داد .

ولی با وجود این کنگره چندین صوبه را به تصویب رساند که یکی از آنها صوبه وحدت مارکسیست - لنینیستهای ایران و دیگری صوبه " احیا " حزب بوده است ( مراجعه شود به اولین ماهنامه توفان )

کنگره موسس صوبه دیگری را به تصویب رساند که از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی دید روشن و دوراندیش رفقای شرکت کننده در کنگره را تجلی میسازد . در کنگره موسس و تصویب شد که ۵۰٪ اعضا " سازمان م . ل - توفان " که به عضویت حزب کمونیست ایران در می آیند می بایست از صفوف حزب تصفیه شوند .

صحت این صوبه با گذشت زمان هر چه بیشتر ثابت شد است . زیرا که اکثریت رفقای سازمان توفان از دانشجویان خارج کشور تشکیل میشدند و این خود خطر بزرگی از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی برای حزب جوان محسوب می شد . اولین تجربه منفی حزبمان با تشکیل سازمان جوانان در خارج از کشور شروع میشود که بالاخره بعد از چند ماه فعالیت توسط تصمیمات اولین پلنوم حزب در تابستان ۱۳۵۷ منحل اعلام میگردد .

یکی از اهداف مهم " احیا " حزب انتقال رهبری به داخل بود . و رفیق الف ( سنجر ) در بهای که به کنگره داد این مسئله را یکی از وظائف مهم رهبری شمرد . از اینرو بود که اکثریت رهبری کمیته مرکزی و در سیاستی

از رفقای داخل در ایران انتخاب کردند و همچنین طبق پیام رفیو الف - ص ارکان مرکزی نیز توسط رفقای مرکزی داخل می بایست انتشار یابد . این پیشنهادات معاً در پیام غیر از آنکه هرگونه فعالیت در ایران یعنی در عرصه مبارزات واحد اهمیت بیشتری کسب میکرد و فایده دیگری نیز داشت آنکه برای همینه آرزوی رفقای مقیم خارج را که اکثر اراغیه رهبری در سر می پروراندند ، صریح کاری وارد آورد و برای اداره خارج ، رفقای اقلیت کمیته مرکزی که از ۲ نفر رفقای عضو کمیته مرکزی و ۲ نفر رفقای مشاور کمیته مرکزی تشکیل می شدند ، انتخاب گردیدند . ۲ نفر رفقای خارج بخاطر فعالیتهای علنی و سوابق مبارزاتی جز رفقای بودند که از طرف پلیس ایران و ساواک شناسایی شده بودند و راه برگشت به ایران بطور علنی برایشان غیر مقدور بود .

پدیده هاییکه برای ما آموزنده بود این بود که اولین اختلافات در اداره خارج حزب بین رفقای عضو کمیته مرکزی و ۲ مشاور به ظهور می رسید . و ۲ مشاور از اینکه عضو اصلی نشده اند با به پیش کشیدن بحث درباره معیارهای انتخاباتی و معیار کاندیدای اصلی و کاندیدای مشورتی و بالاخره نارضایتی خود را از کتیره زیر پوشش اینکه در رفیق اکثریت کارها را خود انجام میدهند و غیره . . . سعی در بهم زدن وحدت رهبری در خارج میشدند و با گذشت زمان ، بین در رفیق ، اصولاً دیگر کمیته مرکزی داخل و خارج را با توسل به بنیوه های مزورانه و با انگشت گذاشتن روی ضعفهای حزب جوان ما و دامن زدن به این ضعفها به جای بر طرف کردن آن تضعیف مینمودند .

## تشکیل اولین پلنوم حزب

در تابستان ۱۳۵۷ اولین پلنوم حزب تشکیل گردید . با تشکیل اولین پلنوم حزب ، حزب ما قادر گردید ، برای اولین بار بوضع نه سبب حزب بخصوص از لحاظ تشکیلاتی رسیدگی کند . مناسبانه در این پلنوم مشاهده شد

که رفیعی از اعضا<sup>۱</sup> دفتر سیاسی که خود را بصدا تشکیلات خارج نیز بود  
اعمال قدرت فردی را در داخل حاکم کرد ماست و حتی از تشکیل جلسات  
کمیته مرکزی در داخل بمبانه مخفی کاری سر باز زد ماست . این رفیعی  
( محمود ) با اتوریته رهبری تشکیلات داخل و دادن گزارش های نادرست  
از وضع تشکیلات حزب در ایران اثر بسیار منفی ای در پلنوم حزب که  
به مدت بیش از ۱۰ روز ادامه داشت گذاشت و همچنین در اولین نشست  
کمیته مرکزی داخل و خارج معلوم گردید که رهبری داخل هیچگونه رهنمودی  
برای تیکتورفتی حزبی در مبارزات تودمای خلقان که در حال اوج خود  
بود ندارد و نظریه انحرافی حاکم صبی برای آنکه حتی رفقا<sup>۲</sup> ما در  
تظاهرات اندیز شرکت نکنند ، توسط ( محمود ) در حزب اعمال شد ماست  
( ولی ناگفته نماند که کمیته های حزبی که تحت مسئولیت رفقای حزبی  
در داخل بودند ، بدون رهنمود از بالا در مبارزات روزمره شرکت  
میکردند و گاهی نیز قادر می شدند که قسمتی از تظاهرات را در این  
یا آن گوشه رهبری کنند ، ولی این عمل رفقا بدون نقطه و مجزا از هم  
صورت میگرفت . )

در نشستهای مشترک و بحثهای طولانی به رفقای کمیته مرکزی روشن  
گردید که نظریه انحرافی بزرگی در بخش کمیته مرکزی داخل و در دفتر  
سیاسی موجود است و بالاخره با بحث اقطاع رفیعی ( محمود ) موافقت  
کرد که تصمیمات رفقای کمیته مرکزی مبنی بر اینکه نه فقط رفقای ما در مبارزات  
تودمای شرکت کنند بلکه خود را آماده مبارزات مسلحانه نمایند و با مقابله  
مسلحانه با ارتش و پلیس محمد رضا شاهی وظیفه خود را حتی با ایشار  
خون خود بشماره حزب کمونیست نسبت به جنبش خلقان ادا نمایند .

کمیته مرکزی برای این منظور مقدماتی را نیز فراهم می آورد . در این زمان  
بود که مبارزات خلقان به اوج می رسید . تظاهر کنندگان با دستخالی  
سینه های خود را در مقابل سلاح های دشمن سپری کردند . حزب ما  
در این مقطع زمانی ، تنها سازمان مشکک در داخل بود و می توانست با  
ابتکار شجاعانه اقل<sup>۳</sup> در رهبری قسمت از مبارزات قرار گیرد ، با کمال

تاسف مشاهده شد که رفیق (محمود) بعد از زینبوم نه تنها این تصمیمات درست را به اطلاع رفقای حزبی نرساند بلکه تزاحلال طلبانه ای بنام جیبه سرخ را مطرح کرد. این عمل در زمانی انجام میگرفت که هر روز و حتی هر ساعت آن برای حزبان ارزش تاریخی داشت و از دست دادن چنان موقعیتی مسلماً به حزب مان ضررهای جبران ناپذیر وارد می آورد.

رفیق محمود به اتفاق رفیق دیگر که با وی همداستان بود نه فقط از اجرای تصمیمات صحیح کمیته مرکزی سر باز زدند و تزاحلال طلبانه‌های رابه بحث گذارند، بلکه تز دیگری مبتنی بر اینکه رفقای خارج می بایست برای مدت بیشتری در خارج بمانند و تبدیل به کارورزیده گردند، را مطرح می کردند. همچنین تصمیم اکید کمیته مرکزی را مبنی بر ———

تشکیل جلسات مرتب کمیته مرکزی را در داخل طلب می نمود، بدون اثبات گذاشتند. باید یاد آور شد که رفیق محمود برای آنکه بتواند نقشه های خود را بهتر پیاده کند رفیق دیگری را کسه خود پایه گزار یکیسی از تشکیلات اولیه سازمان توفان بود و خطرات فراوانی را در دوران حکومت محمد رضا شاه پشت سر داشت، مزرورانه از خود دور کرده و ——— از خارج ساخت.

مراجعه به اسناد میتواند گواهی این مبارزات درونی باشد.

نامه های جوابیه :

۱- بر علیه جیبه سرخ

۲- نامه رفیق خلیل به کمیته مرکزی

\* — پیشنهاد تشکیل "جیبه سرخ" در واقع انعکاس وحدت غیر اصولی و ضد مارکسیستی بقیوه "گنفرانس وحدت" در درون حزب ما بود، این تسز قاطعانه به وسیله رفیق خلیل، دبیر اول حزب مورد انتقاد قرار گرفت و قاطعانه توسط کمیته مرکزی حزب ما رد شد. در نیک بخشهایی از ——— نقدها را که رفیق خلیل در رد جیبه سرخ در زمان ارائه آن نوشته بود می آوریم :

جواب به پیشنهاد تشکیل يك جبهه سرخ  
"من برای جواب به این پیشنهاد و نشان دادن تضاد های درونی آن  
جوابم را از تشکیلات و اهداف این جبهه شرح میکنم."

در نامه چنین می خوانیم :

"تمام گروهها و سازمانهای متشکل در جبهه سرخ میتوانند و بایست  
استقلال خود را حفظ کرده و فقط روی برنامه جبهه سرخ و در عمل متحد  
و هماهنگند .

از نظر تشکیلاتی : کمیته مرکب از نمایندگان گروهها و سازمانها تشکیل  
میشود که فعالیت جبهه سرخ را متشکل و هماهنگی کند . يك نشریه  
داخلی برای مطرح و بحث کردن مسائل درون همه سازمانها و گروهها  
پخش می گردد . يك ارگان مرکزی نیز انتشار می یابد . تعیین سیاستهای  
جبهه سرخ بر اساس مرکزیت دموکراتیک و از طرف همه گروههای متشکل  
با بحث و اوضاع تعیین می شوند . پلاتفرم حداقل :

الف - در زمینه ملی :

- ۱ - مبارزه با هر نوع رژیم استعماری و ارتجاعی و یافتن طرق مبارزه و شعارها  
برای برجیدن استعمار ، افشا و مبارزه با اعمال امپریالیستها در ایران ( —  
حزب توده و سازمان انقلابی )
- ۲ - همکاری و همکاری برای ایجاد سندیکاها و اتحادیه های کارگران ،  
دقانان ، دانشجویان ، آموزگاران ، استادان و . . . و بطور کلی .  
ایجاد تشکیلات تودمائی و تقویت آنچه که تا کنون به وجود آمده است .
- ۳ - همکاری برای تهیه مقدمات شروع مبارزه مسلحانه تودمائی ( . . . . )
- ۴ - افشای رژیم فاشیست و مبارزه علیه ناپایداری بورژوازی ملی  
و گرایشهای ارتجاعی جنبش مذهبی
- ۵ - افشا و مبارزه با شی چریکی و گوارینستی
- ۶ - افشا و مبارزه با رویزونیسم و مبارزه مشترک برای دفاع از خلوص مارکسیسم -  
لنینیسم . مبارزه با رویزونیسم خرونجفی ، چینی ، یوگسلاوی اروپائی و هر  
نوع دیگر رویزونیسم



ب - در زمینه بین‌المللی :

۱ - مبارزه و افشاء امپریالیسم ( آمریکا ، انگلیس ، ژاپن ، فرانسه ، آلمان و ..... ) و سوسیال امپریالیسم شوروی و چین  
۲ - پشتیبانی فعال از جنبشهای آزادیبخش و ضد امپریالیستی در -  
سراسر جهان

۳ - دفاع فعال از آلبانی سوسیالیستی "

اگر کسی به مسائل سیاسی کمی آشنائی داشته باشد و مروری در برنامه یا پلاتفرم حداقل این پیشنهادیه کند ، اولین چیزی که به ذهنش خواهد رسید ، که او با برنامه و یا پلاتفرم یک حزب کمونیستی سروکار دارد . ملاحظه کنید یک گروهی که وظیفه پیدامی کند ، روبرویونیم را از هر قماش افشاء ساخته و از خلوص مارکسیسم - لنینیسم دفاع کند ، و منشی چریکسی و گوارستی را نیز افشاء سازد ، مبارزه با هر نوع رژیم استعماری و ارتجاعی و یافتن طرق مبارزه برای برجیدن استشار را در برنامه خود بگذارد و از لحاظ سیاست و تشکیلاتی تابع مرکزیت دموکراتیک این جبهه باشد و از لحاظ بین‌المللی نیز مبارزه با هر نوع امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم کرده و دفاع بی قید و شرط از آلبانی سوسیالیستی نماید ، این چنین برنامه‌های فقط شامل یک حزب کمونیست میتواند باشد . بدیهه نظرم می آید رفقای پیشنهاد دهنده کلمه " جبهه سرخ " را با وحدت احزاب اشتباهش گرفته اند .

در باره جبهه سرخ باز چنین میخوانیم : " جبهه <sup>سرخ</sup> یک نوع وحدت تشکیلاتی همسازمانهای انقلابی است که رفته رفته موجب پدید آمدن وحدت ایدئولوژیک وسیع در درون نیروهای خلق خواهد شد . همانطور که در بالا اشاره رفت ، برنامه و یا پلاتفرم تمام مسائل مهم ایدئولوژیک را از قبل بیان داشته است ، برای خواننده صقید به نظر می رسد که بتوان از لحاظ ایدئولوژیک چیزی قویتر از پلاتفرم را پیدا کرد و از طرف دیگر مسئله کاملاً نادرتسی را راجع به تشکل و وحدت بیان

می دارد، آنچه که مارکسیست - لنینیستها از وحدت دستجات و گروهها می فهمند این است که اول وحدت ایدئولوژیک مابین يك یا دو گروه بوجود می آید و بر اساس وحدت ایدئولوژیک است که میتوان برپایه آن سیاست و تشکیلات را بنا نهاد. حتی در يك حزب و یا سازمان کمونیستی و یا ضد امپریالیستی نیز شرط بوجود آمدن تشکیلات، موجودیت وحدت ایدئولوژیک در يك يك اعضا است، از این رو که اول وحدت تشکیلاتی باید بوجود آید و بعدا به وحدت ایدئولوژیک رسید، چیزی است کاملا غیر دیالکتیکی و نمیتواند تشکیلاتی بر این پایه تحقق پذیرد. در پیشنهاد بازمی آید:

"در جبهه سرخ ما میتوانیم مسائل فوری انقلاب را مطرح کرده و وظایف مهم آنرا استخراج و به کمک جبهه سرخ ( که در اختیارتان قرار می گیرد ) بدون تودماغها ببریم و کار انقلاب را به پیش برانیم." همانطوریکه در پلاتفرم آمده هدف از مبارزه، مبارزه با هر نوع استعمار و استثمار و همچنین دفاع از خلوص مارکسیسم - لنینیسم است. پس اگر صحبتی از انقلاب میگردد اولاً میباید معلوم گردد که چه نوع انقلابی را منظور است و اگر به وقت پلاتفرم را ملا حظه کنیم، انقلاب ما انقلاب سوسیالیستی است، از این رو ما با جبهه سرخ کار داریم که هدفش را انقلاب سوسیالیستی قرار داده است و همچنین وضع جبهه طوری تعیین شده است که میتوان مسائل فوری انقلاب را در کمنه مرکزی جبهه سرخ مطرح کرد و به عمل در آورد، در واقع از مسائل فوری میتوان آغاز مبارزه مسلحانه و بدست گرفتن حکومت و تقسیم مشاغل اداری و... را در نظر گرفت.

باز در قسمت تشکیلاتی چنین میخوانیم:

"تعیین سیاستهای جبهه سرخ بر اساس مرکزیت دموکراتیک و از طرف همه گروههای مشکل با بحث و اجماع تعیین میشود." هر خواننده بخوبی آگاه میگردد که سیاستهای جبهه سرخ نمیتواند در رابطه با سیاست گروهها و احزاب مشکله در آن نباشند، و چون گروههایی مجبورند دستورات جبهه را بر اساس موازین مرکزیت عملی سازند،

خواه ناخواه نمیتوان سیاستی مستقل و جدا از جبهه‌رانشته‌باشید. پس این "این عقیده کگروهها و سازمانهای متشکل در جبهه‌سرخ میتوانند و بایست استقلال خود را حفظ کنند" در عمل خالی از اعتبار است، اگر اشتباه نکند مسئله وحدت و جبهه‌بندی را ماثو بر این اساس آورده است و او معتقد است حتی در درون خلق، یعنی کونیستها و غیر — کونیستها میتوان ساتترالیسم دموکراتیک را عملی ساخت و از این عمل نتیجه‌ی گیرد که قانون اساسی ما حکم میکند که چه چیزی خوب است و یا چه چیزی بد است و در واقع قانون اساسی پشابه حمایت تمام‌خلق چیست از لحاظ مادی و معنوی می باشد و . . . .

در واقعیت امر کمیته مرکزی جبهه سرخ که خود دارای ارگان مختلف است، قدرت تصمیم‌گیرنده بر روی گروهها و دسته‌های متشکله در آن — می‌گردد و از این رو بهتر می بود که اسم جبهه‌سرخ به حزب جدید — کونیست تبدیل می کردیم. در آن وقت خیلی از مسائل آورده شده در پیشنهادیه میتوانست کمتر گرفتار تضاد های روشن بشود.

من این پیشنهاد را بی ارتباط با نظریه‌های که از طرف رفقا محمود و ( . . . ) در باره اهمیت خارج و ماندن رفقا در خارج برای مبارزه با گروههای اپورتونیستی نمی بینم. بنظر من آید که این رفقا خیال می کنند، بوجود آمدن گروههای اپورتونیستی منبع اثر از خارج است. در صورتیکه موجودیت گروههای اپورتونیستی را که عموماً منشا خرده بورژوازی روشنفکری دارند باید در بن طبقات جامعه جستجو کرد. رفقای پیشنهاد دهنده از اینکه برای اولین بار در مقابل این گروههای اپورتونیست قرار گرفتند — لرزه بر اندامشان افتاده است\* و تا آنجا پیش رفتند که چنین

\*\*\*\*\*

\* — در اواخر دوران حکومت شاه بعلت فشار عظیم جنبش توده‌های آزادی — عمل سیاسی نهادهای و ناشی از عجز رژیم، بدست آمده بود. این آزادی عمل سیاسی محیط مساعدی برای ظهور انواع گروههای اپورتونیستی و روشنفکری شد. گروههای اپورتونیستی خارج از کشور نیز در آن ایام کم کم سر و کله‌شان در عرصه ایران پیدا شد بود.

پیشنهادیهای از سرو پا نادرست که به قیمت منحل کردن حزب مان است  
می دهند. این رفتار به جای اینکه نیروی عظیم پرولتاریای ایران را در نظر  
بگیرند و ارتباط خود را با آنان مستحکم سازند، چشم بسته به طرف گروهها  
خرده بورژوازی روشنفکری متمایل میشوند. از اینکه گروههای اپوزیونیستی  
متعدد بوجود آیند شکی ندارم، ولی من معتقد تنها ضامن پیروزی  
پیوند با پرولتاریا و نفوذ در آن و پشتیبانی آن از سیاست و ما را از خود  
دانستن است. تجربه جنبش عظیم خلقان آنگاه موثر واقع شد که طبقه  
کارگر صنعتی ایران قیام نمود و چنان ضربه بر پیکر امپریالیسم وارد کرده -  
است که در تاریخ ثبت خواهد شد. ماسفانه من در این پیشنهاد جنبه  
چیزی جز اتحاد گروه روشنفکران که برای هر چیز جزئی خطی می تراشند  
نمی بینم (.....) من (.....) وارد بحث این مسئله که آیا چگونه  
جنبه های میتواند سرخ باشد و یا در چه مواقعی میتوان وحدت مابین  
نیروهای مختلف در مقابل یک استراتژی معین ایجاد کرد، همیشه م، ولسی  
تجربه ثابت کرده است وحدت نیروها می بایست پایه مادی داشته باشد  
حتی برای بوجود آوردن یک جنبه "ضد بر علیه امپریالیسم میتوان نیروهای  
کمونیست و غیر کمونیست را در کنار هم جمع کرده و وحدت ایجاد کرد.  
ولی آنگاه که این نیروها خود در عمل مستقیماً زیر فشار بوده و دشمنی آنها  
با دشمن مشترک می بایست به حدی باشد که آنها قادر باشند اختلافات  
خود را فرضی ببینند. این نیروهای همسو جبراً "بطرف وحدتی روند ولی  
آنچه را که پیشنهادی به ما عرضه میدارد، چیزی جز بحث روشنفکرانه نیست.  
از طرفی دیگر، این رفتار اعلام می دارند که مبارزه "سلحانه بخاطر  
جدابودن نیروهای "م. ل. ب" بتعمیق اتحاد است و تا این وحدت بوقوع  
نپیوندد، محال است که مبارزه سلحانه آغاز گردد. بنظر من این حکم، حکمی  
غیر مارکسیستی است. در کدام گوشه از جهان وحدت شرط برای مبارزه  
سلحانه است، و یا اینکه چون ما کوچک هستیم و احتیاج به نفر داریم  
می بایست با دیگران وحدت کرد. بهر حال این نوشته حاکی از سردرگمی

فراوانی است که نشان دهنده ضعف شدید ایدئولوژیکی ( . . . ) است .  
دبیر اول کمیته مرکزی  
حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران  
خلیل

۲ - خلاصه‌ای از نامه رفیق خلیل به کمیته مرکزی ورد نظریات انحرافی :  
بلافاصله پس از اتمام پلنوم ، پس از جنایتشوم شاه در ۱۷ شهریور  
و آنگاه که توده‌های مردم هر روز بیشتر به لزوم مبارزه مسلحانه علیه رژیم  
شاه پی می‌برند و شعار رهبران ما را مسلح کنید " هر روز توده‌های  
وسیعتری از مردم را در بر میگرفت و رفیق خلیل دبیر اول حزب پیشنهادی  
آورد کمورد تصویب اکثریت کمیته مرکزی قرار گرفت ، مبنی بر لزوم آغاز  
فعالیت‌های مسلحانه و بسیج توده مردم برای مبارزه مسلحانه علیه رژیم  
شاه . این پیشنهاد مورد مخالفت شدید عنصر اپورتونیستی کوردر  
کفرانس اول شورشی حزب از کمیته مرکزی اخراج شد ( محمود ) قرار گرفت .  
مبارزه‌های سخت در درون کمیته مرکزی درگیر شد که این مبارزه منجر به تصویب  
این پیشنهاد گردید . لکن بعثت خرابکاری عنصر اپورتونیست که در عین  
حال عضو دفتر سیاسی حزب بود ، این صوبه به مرحله عمده گذاشته نشد .  
و در اثر توطئه‌گری ها و خرابکاری های وی در واقع " به‌کنو میز سپردند  
ذیلا بخشهایی از نامه رفیق خلیل و دبیر اول حزب را که ، پس از اطلاع  
از ماوقع جریانات در اوایل زمستان ۱۳۵۷ نگاشته شده بود ، به تصویب  
اکثریت کمیته مرکزی رسیده است ، نقل میکنیم : \*  
" تقریباً یکسال و نیم از احیای حزب کمونیست ایران . . . می‌گذرد ( . . . )  
تا تابستان ۱۳۵۷ که اولیاد پلنوم کمیته مرکزی تشکیل میگردد . اشکالات عدیدین  
در کار رهبری حزب چشم‌میخورد ( . . . ) بعد از پلنوم تاملاتی جلسات  
کمیته مرکزی به اتفاق رفیق محمود تشکیل میگردد . در این جلسات چند  
اشکال بطور جدی پدیدار گشت که عبارت بودند از : الف -

\*\*\*\*\*  
\* - این سند در اختیار گیه‌کارهای حزبی شرکت‌کننده در کفرانس قرار گرفت .

الف - رفقای حزبی خارج از کشور نمی بایست به داخل بیایند و بلکه در عرض سالها کار در خارج تبدیل به کادرهاى مجرب حزبی شوند که این نظرسرفیق محمود بود .

ب - رفقای حزبی در ایران می بایست در مبارزات روزمره تودمه ها شرکت کرده و در هر کجا که امکان دارند رهبری را بدست بگیرند که این نظریه ... با مساومت رفیق محمود روبروگشت ( ... ) با بحثهای طویل بالاخره موفق شدیم به رفقا بقبولانیم که نمیتوان در کنار این مبارزات ماند و تمام رفقای حزبی موظف به انجام این امر هستند ( ... ) بیعده از ... اوج نهضت مبارزات خلق کمیته مرکزی ( ... ) به این نتیجه رسید که رفقای اعزامی را مسلح به تئوری و تاکتیکهای عملی جنگهسای مسلحانه کند و همچنین به این نتیجه رسید که رفقای داخل هر چه زودتر به مبارزه مسلحانه ( ... ) آشنائی پیدا کنند و همچنین آنها می بایست اولین قدم را در راه انجام مبارزه مسلحانه تودهای بردارند .

از این رورفیق ( ... ) برای تدارک این امر عتاب شد و همچنین رفیق ( ... ) برای ابلاغ این نظر با مقداری کمکت تجربه عازم ایران گردید همچنین رفقای اداره خارجی در این مدت به این نتیجه رسیده بودند که هرچه رود تر کادرها و رفقای حزبی خارج از کشور را برای شرکت در این مبارزه به ایران گسیل دارند و در این امر کوشش فراوان می گردید .

( ... ) از اینرو این تصمیم خود را از دو ماه پیش عملی ساخته و بسا عجنه رفیق ( ... ) را در اردماه ۱۳۵۷ روانه ایران ساخت ( ... ) ولی بعد از برگشت رفیق از ایران طبق اظهار خودش این نوشتجات در کنسوی میز باقی مانده است ، چونکه رفیق محمود و رفیق ( شکوفه ) آمادگی درک این جریان را نداشته اند . ( ... )

من در خانه میخواهم خاطر نشان سازم که همگی رفقای کمیته مرکزی از مصیبتی کونیستی برخوردارند و از اینرو معنقدم که يك يك رفقا با شناخت دیالکتیکی از اوضاع اجتماعی ایران در اولین فرصت برای برطرف کردن این اشکالات کوشا بوده و بخصوص به وظیفه رهبری کسه

عمده‌ترین پراتیک در درون حزب را تشکیل می‌دهد و می‌برند. همچنین معتقدم تا حال و نظر مختلف در شیوه کار مبارزاتی ما بین رفقای کمیته مرکزی موجود است و می‌بایست مورد بحث قرار گیرد.

باسلامهای رفیقانه - خلیل

(این نامه مورد موافقت کلیه رفقای اداره خارجی و اکثریت دفتر سیاسی قرار گرفت)

در واقع آنچه که بخشی از فراكسیون‌نیستهای امروز در آن زمان مطرح می‌کردند تز تروتسکیستی "حفاظت کادرها" بود که به بهانه حفاظت کادرها میخواست حزب را از عرصه مبارزات طبقاتی بدور نگه دارد. آنها با "چریکی" قلمداد کردن مبارزه مسلحانه، آنها را در شرایطی که تودمه‌ها کاملاً آماده پذیرش چنین مبارزهای را داشتند و بدین وسیله می‌شود پرولتاریا و حزب آن نقش بسیار بزرگتری در مبارزات ملی و دموکراتیک بازی کند، میخواستند شکست طلبی خود و دنباله روی خود را از جنبه‌های خود بخودی و بورژوازی توجیه کنند. خرابکاری ای که آنها در کار پیشبرد سیاست صحیح کمیته مرکزی حزب نمودند، ضربه بزرگی به تحقق آرمانهای طبقه کارگر ایران زد.

مطالعه این اسناد و وقت بر روی آنها نشان می‌دهد که چه عللی باعث  
بی‌حرکتی حزب در انقلاب بهمن ماه بوده است. مسلماً در انقلاب  
بهمن ماه حزب ما نتوانست نقش خود را بدرستی ایفا کند. با وجود آنکه  
تمام رفقای حزبی با جان و دل آماده مبارزه بودند و حتی ۲ نفر از رفقای  
گارگر حزبی به اسامی ( مهدی اقدارمنش و محمد جواد عرفانیان ) در  
حمله به پادگان ( تشکیلات ) روز دوم انقلاب شهید شدند. ولی  
فداکاری رفقای حزبی که بدون برنامه انجام گرفته بود فقط در حد یک  
فداکاری باقی میماند و تجربه نشان داد که تخریب در رهبری حزب  
به حیزمان ضررهای جبران ناپذیر وارد آورده است.

بی‌عملی حزب و ضررهای ناشی از آن به افراد فرصت طلب و شخصیت  
پرست در درون حزب امکان میداد که با علم کردن ضعفهای حزب به حزب  
و به رهبرانش حمله کنند و تا آنجا که برهم زدن تشکیلات حزب را هدف خود  
قرار دادند. موقع مناسبی برای یکی از افراد مشاور اداره خارجی حزب که  
بعد از انقلاب به ایران آمد، بوجود آمده بود. او پس از ورود به  
ایران دست به توطئه‌های فراوانی زد که توسط رفقای صدیق حزبی  
همگی خنثی گردیدند.

بعد از انقلاب بهمن ماه، رهبری قادر شد که تشکیلات حزبی را  
در ایران از شکل کمیته‌های مجزا بصورت تشکیلات مطابق با اوضاع  
حالیه درآورد.

در این مقطع زمانی برای رهبری اهمیت داشت که صفوف حزب را  
مستحکم سازد و موفق گردید. زیرا که خطر برهم خوردن حزب توسط  
عوامل فرصت طلب میرفت و بعضی از این افراد بنوعی خنثی گردیدند.  
قدم دوم برای حیزمان اهمیت داشت که بیلانی از فعالیتش و همچنین  
دلیل بی‌عملی خسود را برای رفقای حزبی و توده مردم بیان دارد.  
متأسفانه بخاطر بوجود آمدن فراکسیون مخالف اکثریت در درون هیئت



رهبری و وحدت افراد خطاکار در رهبری، حیزمان قادر نگردید از کار خود بیلان بگیرد. سقوط رفقای مشاور در اداره خارجی تا بدانجا پیش رفت که جوابهای را که اداره خارجی درباره رد نظریه انحرافی جنبه سرخ به تصدیق خود آنها رفیق خلیل، دبیر اول حزب برای رفقای داخل ارسال داشته بود، مدافعه نکردند و غیر مستقیم چنان وانمود کردند که گویا در امضای آن شکی نبود ماند، بدین گونه باعث نجات فراقسیون (محمود) که بانی این همه خسارات به حزب بود، گردیدند. این عده اپورتونیست با مرور زمان با وجود داشتن اختلاف نظرهای شدید نسبت بهم بخاطر مقابله با اکثریت رفقای کمیته مرکزی، فراقسیون ضد حزبی خود را سازمان دادند. ولی به خاطر بیداری رفقای رهبری نقشه های آنان یکی پس از دیگری خنثی شد.

اولین اقدام طرف فردی خود پرست که بعدها محمود را به نام "گروه منشعب" لقب داد انجام پذیرفت و ادامه مبارزات درونی تا تشکیل کفرانس حزب ادامه داشت. کفرانس که در بهمن ماه سال ۵۸ برگزار شده بود، قادر شد ضربه آخرین و کشنده خود را بر این گروه اپورتونیست وارد آورد.



بدعوت کمیسیون تشکیلات حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، کفرانسی با شرکت اعضا کمیته مرکزی و کارهای برگزیده حزبی، طی روزهای (۰۰۰) بهمن ماه ۱۳۵۸ در محیطی بسیار رفیقانه و صمیمانه برگزار شد. این کفرانس که به پیشنهاد رفیق خلیل دبیر اول حزب و با تصویب کمیته مرکزی صورت عطفی به خود گرفت، خود نموداری از برخورد اصولی اکثریت رفقای کمیته مرکزی به اختلافات سیاسی و تشکیلاتی فیما بین اقلیت و اکثریت کمیته مرکزی حزب گردید. برگزاری این کفرانس که در خدمت

## قطعنامه کادرهای شرکت کننده

### در اولین کنفرانس مشورتی حزب

بدعوت کمیسیون تشکیلات حزب کمو- نیست کارگران و دهقانان ایران، کنفرانسی با شرکت اعضاء کمیته مرکزی و کادرهای برگزیده حزبی، طی روزهای (۰۰۰) بهممن ماه ۱۳۵۸ در محیطی بسیار رفیقانه و صمیمانه برگزار شد. این کنفرانس که بنا به پیشنهاد رفیق خلیل دبیر اول حزب و با تصویب کمیته مرکزی صورت عملی به خود گرفت، خود نموداری از برخورد اصولی اکثریت رفقای کمیته مرکزی به اختلافات سیاسی و تشکیلاتی فیما بین اکثریت و اقلیت کمیته مرکزی حزب گردید. برگزاری این کنفرانس که در خدمت تحکیم و گسترش تشکیلات و پاکیزگی دامان حزب از نظر افسد- مارکسیستی-لنینیستی و مخرب است، مساکادرهای شرکت کننده در این کنفرانس تاریخی را بر آن میدارند تا در روزهایی سرخ کمونیستی خود را نشان در رفقای کمیته مرکزی و رفیق دبیر اول حزب کنیم. این کنفرانس خود موفقیتی است بزرگ در پیشبرد مبارزات انقلابی پرولتاریا و توده های رنج و کار ایران انقلابی.

این کنفرانس با ردیگر با روحیه ای مارکسیستی لنینیستی و با در دست داشتن معیارهای تشکیلاتی لنینیستی توانست قاطعانه به پاسداری

ارتشکيلات و سياست پرولتري در مقابله با  
ظرات ضد ما رکسيستی - لنينيستی اقليت  
رفقاي کمیته مرکزی بپا خاسته و نشان دهد که  
ارگانهای حزب نمیتوانند محلی برای تسدوم  
حيات و پذيرش نظراتی ضد حزبی باشد .

این کنفرانس نمودار رشد کمی و کیفی حزب ما ،  
نمودار وسعت اندیشه و عمل ما رکسيستی -  
لنينيستی در درون حزب است .

این کنفرانس همچنین از سوئی نمودار نیست  
از تلاش بی شمر اقليت کمیته مرکزی در حمله به  
رفیق دسراول حزب برای دستیابی به  
ابزاری به منظور قبضه ارگانهای با لائی حزب و  
ناختن به تشکيلات لنيني و تسلط مشی انحلال  
طلبانه خود .

از سوئی دیگر این کنفرانس خود شاهد دفاع  
اصولی اکثریت کمیته مرکزی و کادرهای حزبی  
از گردان پيشاهنگ پرولتاریای ایران ، و  
در هم کوبنده همه فرصت طلبانی گردید که بیکان  
حمله خود را متوجه رفیق خليل که بحق پرچمدار  
احیاء حزب کمونیست کارگران و دهقانان  
ایران بوده است ، کرده اند .

این کنفرانس پس از بررسی اسناد و  
مطالعه بخشهایی از پروتکل های جلسات کمیته  
مرکزی حزب ، با شنیدن نظرات تمامی رفقای  
کمیته مرکزی و کادرهای حزبی شرکت کننده در  
کنفرانس به نناج ذیل ناثل آمد که آنسرا  
نصوب بسپهاد کادرها در احیاء رفقاي کمیته  
مرکزی برای حل اختلافات سیاسی و تشکيلاتی  
نرا میدهد :

۱- درباره رفیق محمود :

از آنجا ئیکه رفیق محمود در غیاب رفیق خلیل، مسئولیت رهبری کمیته مرکزی حزب را در داخل ایران (در هنگام انقلاب و قیام شکوهمند بهمن ماه) عهده دار بوده است، نه تنها با شرکت رفقای حزبی در جنگ مسلحانه توده‌ای بی‌بها نه آنکه چنین نظری همانا مشی چریکی است، به مخالفت برخاسته، بلکه با علم کردن "جبهه سرخ" به انحلال گردان پیشاهنگ پرولتاریای ایران رای داده است. از آنجا ئیکه رفیق محمود با برخورد اصولی رفقای کمیته مرکزی به نظرات انحلال طلبانهاش همواره جلسات کمیته مرکزی را به تشنج کشیده و تا کنون به رای اکثریت رفقا ارزشی قائل نگشته است. و حتی برای به کرسی نشاندن نظرات خود به تهدید و اقدام به استعفاء دست زده و با ترک مسئولیت‌های خود در واقع به تضعیف حزب پرداخته است، از آنجا ئیکه برای بکرسی نشاندن نظرات انحرافی خود، پیکان حمله را متوجه رفیق دبیر اول حزب کرده است و حتی تا بدانجا پیش رفته که گذشته انقلابی رفیق خلیل را بیزیر علامت سؤال کشیده است و از آنجا ئیکه رفیق محمود خود را در مقابل تشکیلات و سیاست ما رکیستی - لنینیستی حزب قرار داده است لذا پیشنهادها میکنیم :

رفیق محمود از ترکیب کمیته مرکزی برکنار شده و پس از انتقاد اصولی و صریح از خود بعنوان یک عضو حزبی در اندیشه و عمل ثابت کند که به مشی انحلال طلبانه خویش پشت کرده



ب - اگر چه این رفیق در ظاهرا دعوا  
نموده که هیچگونه نظریه‌ای در رابطه با دو خط و  
مشی در کنفرانس ندارد ولی موضع او علیه خط و  
مشی صحیح اکثریت بوده است . او با صراحت  
خطاب به یکی از رفقای کمیته مرکزی میگوید :

" از کجا معلوم که خودتان انشعاب گر

نباشید . " (پروتکل صفحه ۳۱)  
رفیق شرقی اکثریت کمیته مرکزی را که خودش  
بر طبق اصول و موازین حزبی با یدتای بعش باشد،  
متهمه انشعاب‌گری میکند و بدین ترتیب  
رهبری حزب را به زیر علامت سؤال میگذارد .

ج - رفیق میگوید " وقتی که من استعفاء  
دادم در کمیته مرکزی حزب مسائلی مطرح بود  
انتقادات و تحلیل‌هایی که از اشکالات و رفقای  
کمیته مرکزی داشتیم به همین جهت حاضر نبودم  
مسئولیت این حرکات را قبول کنم (پروتکل)  
به این ترتیب رفیق ابتدائی‌ترین اصول حزبی  
را زیر پا گذاشته و در واقع با این عملش میگوید  
یا کمیته مرکزی میبایست از نظریات او پیروی  
نماید و یا اینکه او از خود سلب مسئولیت میکند.  
با توجه به نکات فوق و همچنین آنجا

که عدم موضع‌گیری این رفیق در کنفرانس بمعنای  
پایمال کردن منافع حیات حزب است از اینرو  
چنین رفیقی نمیتواند مدافع منافع حزب بوده  
و در نتیجه فاقد صلاحیت عضویت در کمیته مرکزی  
است . ما به کمیته مرکزی حزب پیشنهاد میکنیم  
که استعفای این رفیق از عضویت در کمیته  
مرکزی پذیرفته شود اما از آنجایی که خود او اطمینان

داشته است که "بعنوان یک فرد عضو کا درحاضر م  
فعالیست کنم" (پروتکل صفحه ۳۲)، لذا این  
رفیق میتواند که بعنوان یک عضو حزب  
باقی بماند.

ما ایمان داریم رفقای کمیته مرکزی،  
پرچم سرخ گردان پیشاهنگ پرولتاریای ایران  
را همچنان برافراشته نگاه خواهند داشت، ما  
ایمان داریم که اصولیت ما رکیستی - لنینیستی  
حزب ما در هم کوبنده پورتونیسم و حایان دوخط  
مشیمان خواهد بود. ما ایمان داریم  
و حدت اندیشه و عمل ما رکیستی - لنینیستی حاکم  
بر حزب، امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و  
ارتجاع را راهی مزبله تاریخ خواهیم ساخت.

هر چه مستحکمتر با دصفوف یکپارچه و پولادی  
حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران!  
برافراشته با پرچم ما رکیسم - لنینیسم!  
زنده با دانترونا سیونا لیسم پرولتاری!  
زنده با دحزب کمونیست کارگران و دهقانان  
ایران!

جمع بندی فوق در کنفرانس خوانده شد و به اتفاق آرا به  
تصویب رسید.

توضیح اینکه رفیق در مورد دو نکته نظر خویش را  
بدین صورت ابراز داشته:

الف - نسبت دادن " نظرات مائوئیستی " به  
رفیق عمو

ب - دلایل قبول استعفای رفیق شرقی را کافی  
نمیدانم.

مبارزات درونی حزب را بدستی یکی از کمیته‌های ایالتی حزب در پیام پشتیبانی خود توصیف کرده است . جنبش کمونیستی ایران در طی تاریخ تکامل خود فرازونشیب‌های فراوانی را پشاک سرگذاشته است و همواره از طرف دشمنان پرولتاریا و ایورتونیست‌های رنگارنگ مورد حمله و خرابکاری قرار گرفته است لکن در هر مرحله بحرانی ، رزمندگان وفادار به آرمان‌های طبقه کارگر پرچم ظفرمند « پراخسار مارکسیسم - لنینیسم » را برافراشته و به مبارزه تاریخ ساز خود ادامه داده و میدهند . از هنگامیکه حزب پراخسار ما در نتیجه مبارزه طولانی و طاقت فرسای رفیق احمد قاسمی و یاران وفادارش بر علیه رویزونیسم و کلیه نظرات و جریانات ضد مارکسیستی در عرصه ایران احیا شد . مسلماً حزب ما نمیتوانست مورد کینه و نفرت دشمنان طبقاتی پرولتاریا واقع نگردد . اینک بیش از ۲ سال است که از احیای حزب مان میگذرد ، در این مدت زندگی حزبمان مملو از مبارزه بسا جریانات ضد حزبی در درون و چه بیرون از آن و دفاع از اصولیست پروتتری و وفادارگانه مارکسیسم - لنینیسم است .

بدستی که حزبمان نهاد گردید ، با مبارزه اصولی خود صفوف خود را مستحکم ساخته ضربه قاطعی بر این فراکسیون ضد حزبی وارد سازد ، این موفقیت حزبمان می بایست باعث گردد که صفوف حزبی هرچه سریعتر گسترش یابد و تاکید صحیح مبارزه را در جامعه پیچیده و بغرنج طبقاتی ما اتخاذ کند . حزبمان با تمام مشکلات ناشی از اختلافات در رهبری قادر گردید مشق درست و آشنی ناپذیر طبقاتی خود را با هیات حاکمه به پیش راند . حزب ما با تمام مشکلات اش هیچگاه نشانه آشنی طلسمانهای در مقابل هیات حاکمه ارتجاعی از خود بسروز نداده است .

حتی گروه‌های ایورتونیست و دشمنان مارکسیسم - لنینیسم نیز در این امر تصدیق دارند که خط و مشی مبارزه جبهانه حزبمان خلل ناپذیر است این نشانه قدرتمندی حزبمان است که در سیاست و تشکیلاتش تجلی می یابد



اکنون که حزب ما توانسته است استحکام یابد، وارد مرحله جدیدی  
از مبارزه طبقاتی خود میگردد، انتخاب تاکتیکهای مشخص در استفاده  
از نیروهای جامعه برای پیشبرد این مبارزه طبقاتی و پیوند وسیع با  
طبقه کارگر ایران و رهبری آن در این مبارزه یکی از وظایف عاجل  
و سنگین حزب ما است.

- بسرخی از انتشارات حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران
- ۱ - شبه‌شنوی سهد نیاز ضد مارکسیستی است و میان مارکسیسم ضد مارکسیسم اساسی نهیت
  - ۲ - کرنش خروشچف در مقابل تیتو  
انورخوجه  
واحیا، سرمایه‌داری در یوگسلاوی  
قاسمی
  - ۳ - روشنفکران و حزب مبارزه سلحانه انتقادی بر کاستریسم و گوارسیم  
سوسیال امپریالیسم
  - ۴ - شوروی امپریالیسم نوحاسته
  - ۵ - شش سال انقلاب مشروطه  
قاسمی
  - ۶ - درباره شکست ۲۸ مرداد  
قاسمی
  - ۷ - تزه‌های آوریل  
لنین
  - ۸ - درباره تجربه جنگهای آزاد بیخشن ملی و تکامل ارتش ملی ما  
محمد شیخو
  - ۹ - بحران حزب و وظائف ما  
استالین
  - ۱۰ - مقدمه‌های بر تحلیل مناسبات اجتماعی و طبقات در ایران
  - ۱۱ - زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا و انترناسیونالیسم پرولتری - در داندیشه ما  
استالین
  - ۱۲ - آناشسیم یا سوسیالیسم  
لنین
  - ۱۳ - کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره اکونومیسم امپریالیستی  
دیمیتریوف
  - ۱۴ - اهداف طبقه کارگر در جنگ  
انورخوجه
  - ۱۵ - امپریالیسم و انقلاب
  - ۱۶ - حزب توده لاشه متعفن
  - ۱۷ - اساسنامه حزب کارآلبانسی
  - ۱۸ - اختلاف بزرگ  
انورخوجه
  - ۱۹ - سازمان پیکار مارکسیسم - لنینیسم یا اکونومیسم
  - ۲۰ - گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره‌های چهارم و پانزدهم  
استالین
  - ۲۱ - حزب کمونیست اتحاد شوروی
  - ۲۲ - بررسی سیاستهای حزب توده از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۸
  - ۲۳ - مجموعه مقالات کارگری
  - ۲۴ - تربیت کادرها  
قاسمی
  - ۲۵ - اعلامیه و برنامه کمونیستهای انقلابی بلشویک شوروی
  - ۲۶ - نامه به رفقا
  - ۲۷ - آی گفتنی  
محمدعلی افراشته
  - ۲۸ - وضع بین‌المللی و جنبش بین‌المللی مارکسیستی - لنینیستی  
انورخوجه
  - ۲۹ - مستخرجاتی از گزارش به کنگره هفتم حزب کارآلبانسی
  - ۳۰ - تاریخ حزب کارآلبانی
  - ۳۱ - امکانات ساختمان سوسیالیسم بدون گذار از مرحله سرمایه‌داری توسعه یافته حکوران مارا  
رامیز‌آلیا
  - ۳۲ - انقلاب مسئله‌مان که مطرح شده و باید حل شود